

مقدمه

نظارت و بازرسی در همه حوزه ها امری ضروری و اجتناب ناپذیر است و اصناف کشور نیز از این قاعده مستثنی نیستند. در پنجاه سال اخیر مسئولیت بازرسی و نظارت اصناف، بر اساس قوانینی که مکرر تغییر کرده است از نهادی به نهاد دیگر دست به دست شده است. انجمن های شهر و شهرداریها، هیات عالی نظارت و اتاقهای اصناف، کمیته های امور صنفی، کمیسیون های نظارت، سازمان بازرسی و نظارت بر قیمت و توزیع کالا و خدمات، بازرسان شورای اصناف و اخیراً نیز واحدهای بازرسی و نظارت اتاق اصناف هر یک در مقطعی بر فعالیت واحدهای صنفی نظارت کرده و به شکایات مردم رسیدگی کرده اند.

امروز در کشورهای توسعه یافته، نظام حاکم بر اقتصاد و استحکام مبانی حقوقی در کنار رشد تکنولوژی شرایطی را ایجاد کرده است که دولتها با کمترین حضور فیزیکی، بیشترین نظارت را بر حسن اجرای قوانین در سطح بازار اعمال می کنند. شکل گیری فروشگاه های بزرگ و زنجیره ای و توزیع بخش اعظم کالاها و خدمات مورد نیاز مردم از طریق این فروشگاه ها در فضایی کاملاً رقابتی باعث افزایش کیفیت کالاها و خدمات و تعدیل قیمتها شده است.

در ایران فرآیند نظارت و بازرسی همواره با چالشهایی مواجه بوده است که عمده ترین آنها عبارتند از اقدامات مقطعی و نه زیربنایی، کثرت واحدهای صنفی، عدم استحکام و شفافیت قوانین، غیر رقابتی بودن اقتصاد، اختلاف نظر در حاکمیتی بودن یا تصدی گرایانه بودن کار و عدم استفاده از تکنولوژی جدید در اعمال نظارتها.

برای حرکت به سمت وضعیت مطلوب و پشت سر گذاشتن چالشهای موجود باید اقداماتی در دراز مدت و کارهایی نیز در کوتاه مدت انجام شود. اقدامات دراز مدت شامل اصلاح قوانین، اصلاح نظام توزیع، ایجاد فضای رقابتی در اقتصاد، طراحی نظام جامع رعایت حقوق مصرف کنندگان و اقدامات کوتاه مدت شامل مواردی از جمله شکایت محور شدن بازرسی ها، «روندگرا» بودن نظارتها، تشویق واحدهای رعایت کننده مقررات و تقویت بازرسی اتحادیه ها خواهد بود. این فعالیت ها با طراحی ساختار سازمانی مناسب که هم از چابکی، کارایی و بهره وری بالا برخوردار باشد و هم تقسیم کار مؤثری بین واحدهای بازرسی و نظارت اتاقها و بازرسی اتحادیه ها در آن صورت گرفته باشد، قابل انجام است.

موفقیت در انجام وظیفه خطیر نظارت و بازرسی، مادامی که از دوش دولت برداشته نشده و در گرو تأمین منابع مالی کافی توسط دولت باشد، نمی تواند پاسخگوی این بخش از وظایف شود.

تاریخچه بازرسی و نظارت اصناف طی پنجاه سال اخیر

تحولات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در ایران دهه های گذشته تقریباً همه جوانب زندگی مردم را دستخوش تغییرات شگرفی کرده است که بررسی هر جزء آن نیازمند کنکاش در سیر تحولات و بررسی زمینه های بروز و ایجاد این تغییرات می باشد.

نظارت و بازرسی اصناف نیز از جمله موضوعاتی است که در سالهای گذشته با سرعت و به دفعات تغییر و تحولاتی در فرایندهای آن شکل گرفته است که اجمالاً به آن می پردازیم.

۱- قبل از انقلاب اسلامی:

در ایران دوره اسلامی، نظارت بر بازار از طریق محتسبانی که از سوی حکومتها منصوب می شدند انجام می گرفت دایره اختیار این افراد بسیار وسیع و گسترده بود و یکی از وظایف آنها مراقبت از سلامت داد و ستد در بازار و کنترل نحوه عرضه اطعمه و اشربه و کنترل اوزان و مقیاس ها بود که تا اواخر عهد قاجار ادامه داشت. با شروع حکومت پهلوی و ورود شبه مدرنیسم به ایران، کم کم ساختارهای سنتی مربوط به کنترل بازار از بین رفت و در عصر رضاخان نیروهای پلیس قزاق به این موضوعات وارد می شدند.

بعد از دوره قوانینی برای رسیدگی به مسائل و امور صنفی و نظم بخشیدن به فعالیتهای اصناف به تصویب رسید که عمدهتاً شهرداری و انجمن شهر آن بودند. برای مثال می توان به بند ۵ از ماده ۳۵ (قانون تشکیل شهرداری و انجمن شهرها و قصابات) مصوب چهارم مرداد ماه ۱۳۲۸ هجری شمسی اشاره نمود که به صراحت یکی از وظایف انجمن شهر را ((رفع اختلافات صنفی در صورت مراجعه از طرف شهرداری یا اصناف)) بر شمرده است. در بند ۱۵ همین ماده انجمن شهر و قصبه موظف به تصویب نرخ خوار وبار و در بند ۱۶ آن موظف به تصویب نرخ سایر نیازمندیهای عمومی و خدمات با موافقت وزارت کار و اقتصاد شده است.

همچنین در بند سوم از ماده ۳۹ قانون مذکور تحت عنوان ((وظایف شهرداری)) مراقبت در اجرای نرخهای مصوب انجمن و مراقبت کامل ارزانی و فراوانی موارد مورد احتیاج عمومی و جلوگیری از فروش اجناس فاسد و معدوم نمودن آنها)) مورد تاکید قرار گرفته است. در بند ۲۱ همین ماده نیز ((تهیه و تکمیل مقررات صنفی و پیشنهاد آن به انجمن شهر و مراقبت در امور صحت آنها)) یکی دیگر از وظایف شهرداری تعیین شده است.

چنان که ملاحظه می شود در ((قانون تشکیل شهرداری ها و انجمن شهرها و قصابات)) عمده وظایفی که در سالهای بعد و با توسعه و گسترش فعالیتهای مختلف، به دستگاههای جدید التاسیس دولتی محول گردید، در حیطه اختیارات و وظایف شهرداریها و انجمن شهرها بود و اولین نشانه های نوعی از بازرسی و نظارت بر عملکرد واحدهای صنفی در دروه جدید در قالب عباراتی چون ((مراقبت در اجرای نرخ های مصوب انجمن)) و ((مراقبت ارزانی و فراوانی مورد احتیاج عمومی)) در این قانون به چشم می خورد. در همین قانون موضوع رسیدگی به

شکایات نیز به صورت کلی و نه چندان شفاف تحت عنوان مبهم ((رفع اختلافات صنفی)) مورد توجه قرار گرفته است که از وظایف انجمن شهر می باشد و بیشتر ناظر به رفع اختلاف فی ما بین افراد صنفی با یکدیگر است.

قانون فوق الذکر در سالهای بعد دستخوش اصلاحات و تغییراتی گردید که در هر کدام از این اصلاحیه ها توجه به حوزه اصناف و عملکرد آنها بیشتر و امور مربوط به آنها با جزئیات کامل تری مطرح شد. به عنوان نمونه در بند ۱۴ ماده ۴۵ قانون شهرداری مصوب ۱۳۳۴/۴/۱۱ برای اولین بار عنوان ((نظارت در صحت اوزان و مقادیر)) به کار رفته و یکی از وظایف انجمن شهر را چنین احصاء کرده است: ((بررسی و موافقت با پیشنهادات شهرداری در مورد فراوانی و ارزانی خواروبار و اقدام در تامین و توزیع مواد غذایی در مواقع لازم مخصوصاً در هنگام قحطی و پیش بینی و جلوگیری از کمیابی خواروبار و تهیه میدان های عمومی برای خرید و فروش خواروبار و همچنین نظارت در صحت اوزان و مقادیر و مقیاس ها و ملزم ساختن اصناف به الصاق برگه قیمت روی اجناس))

ماده ۵۵ قانون شهرداری مصوب ۱۳۳۴/۴/۱۱ نیز که به وظایف شهرداری اختصاص دارد در بندهای ۱۱،۳ و ۱۶ به امور صنفی پرداخته و وظایف شهرداری در این حوزه را این گونه بر شمرده است:

((مراقبت و اهتمام کامل در نصب برگه قیمت بر روی اجناس و اجرای تصمیمات انجمن نسبت به ارزانی و فراوانی خوارو بار و موارد احتیاج عمومی و جلوگیری از فروش اجناس فاسد و معدوم نمودن آنها)) - ((نظارت و مراقبت در صحت اوزان و مقیاسها)) - ((تهیه مقررات صنفی و پیشنهاد آن به انجمن شهر و مراقبت در امور صحتی اصناف و پیشه وران))

چنانکه ملاحظه می شود در قانون سال ۱۳۳۴ لزوم نظارت و مراقبت بر عملکرد اصناف مورد تاکید قرار گرفته و برای نخستین بار موضوع نصب برچسب قیمت و ضرورت تهیه و تدوین مقررات صنفی مطرح شده است.

قانون فوق الذکر نیز در سال ۱۳۴۵ اصلاح و یک بند مهم به قانون قبلی مصوب سال ۱۳۳۴ الحاق گردید. در این قانون که در بیست و هفتم بهمن ماه ۱۳۴۵ به تصویب رسید در بند ۲۸ ماده ۵۵، صدور پروانه کسب برای اصناف و پیشه وران پیش بینی و از وظایف شهرداریها بر شمرده است و در تبصره ذیل بند ۲۸ نیز به شهرداری اختیار داده که نسبت به تعطیل محل کسب فاقد پروانه رأساً و به وسیله مأمورین خود اقدام نماید.

با توجه به زیاد شدن تعداد واحدهای صنفی و ضرورت ساماندهی فعالیت آنها و با دقت در روند توسعه مقررات جاری کشور، حرکت به سمت تدوین مقررات صنفی کامل تر به خوبی مشهود بوده و آثاری از شکل گیری ساختارهای نه چندان پیش رفته برای نظارت بر امور اصناف مشاهده می شود. به گونه ای که در آبان ماه ۱۳۳۳ هیأت وزیران آیین نامه مجمع عمومی اتحادیه های صنفی و بازرگانی را به تصویب می رساند که به موجب آن

((مجمع عمومی اتحادیه های صنفی و بازرگانی)) تشکیل و سپس وزارت کشور به استناد ماده ۴۲ قانون شهرداری مصوب سال ۱۳۳۴ ((آیین نامه اتحادیه های اصناف)) را تصویب می نماید.

خروج اقتصاد ایران از شرایط سنتی و ورود تدریجی به وضعیت جدید، همچنین تغییر در روند زندگی اجتماعی و افزایش تعداد واحدهای صنفی و نیز اهمیت انکارناپذیر جایگاه اصناف در تحولات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشور موجب شد تا با هدف نظام مند کردن فعالیتهای آنان، اولین قانون نظام صنفی کشور در خرداد سال ۱۳۵۰ مستقل از سایر قوانین تصویب و اجرایی شود.

در اولین قانون نظام صنفی کشور ((مصوب سال ۱۳۵۰)) به روشنی وظایفی برای فرد صنفی پیش بینی شده است که لزوم رعایت آنها و امکان تخلف برخی از افراد از اجرای این وظایف، باعث تعیین نوعی ساز و کار نظارتی و بازرسی در قالب دو کمیسیون در تشکیلات اتحادیه های صنفی گردید و بر مبنای بند ۹ و ۱۰ ماده ۲۰ این قانون تشکیل کمیسیون حل اختلاف صنفی به منظور رسیدگی به اختلافات افراد صنفی و کمیسیون فنی به منظور رسیدگی به شکایات ارباب رجوع و مشتریان و نظارت بر حسن اجرای امور و رعایت مقررات و اصول کسب توسط افراد صنفی از وظایف اتحادیه های صنفی محسوب شد.

در واقع با تشکیل کمیسیون های فنی اتحادیه ها، بازرسان اتحادیه بر روند اجرای مفاد قانون نظام صنفی در واحدهای صنفی نظارت کرده و به شکایات مردم از عملکرد افراد صنفی رسیدگی می نمودند. بازرسی اتحادیه ها، تشکیلات مستقلی نداشته و بازرسان نیز از اعضای هیأت مدیره اتحادیه و افراد مورد اعتماد همان صنف انتخاب می شدند. متخلفین نیز در صورت لزوم به دادگاه های نظام صنفی معرفی و مجازات می شدند. البته در اولین روزهای بعد از پیروزی انقلاب و در ۵۷/۱۲/۲۷ لایحه قانونی انحلال دادگاه های نظام صنفی توسط شورای انقلاب تصویب و رسیدگی به تخلف از مقررات نظام صنفی به دادگاه های جنحه سپرده شد.

۲- بعد از پیروزی انقلاب اسلامی:

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، اتاقهای اصناف که به موجب قانون نظام صنفی سال ۱۳۵۰ تشکیل شده بودند منحل و کمیته هایی تحت عنوان ((کمیته امور صنفی)) مسئولیت انجام امور جاری اصناف را در سراسر کشور بر عهده گرفتند. شرایط خاص ایجاد شده در کشور، کمبود برخی از اقلام مورد نیاز مردم و احتمال سوء استفاده برخی از افراد در ماه های اولیه پس از پیروزی انقلاب، لزوم شکل گیری کمیته های امور صنفی را با هدف مقابله با برخی ناهنجاریهای موجود در بازار از جمله احتکار کالاهای مورد نیاز مردم و گران فروشی آنها، بیشتر می کرد و در واقع بزرگان و معتمدین اصناف در شهرها، برای تشکیل این کمیته ها و نظارت بر فعالیت کسبه، پیش قدم شدند تا اینکه در سال ۱۳۵۹ شورای انقلاب با توجه به ضرورت وجود یک مرجع قانونی معتبر و متناسب با اوضاع و احوال آن روز کشور، قانون جدید نظام صنفی را در خرداد ماه تصویب و جهت

اجرا ابلاغ نمود. با تصویب قانون نظام صنفی در سال ۱۳۵۹، موضوع نظارت و بازرسی در حوزه اصناف و رسیدگی به تخلفات صنفی وارد مرحله جدیدی شد و ساز و کارهای تازه ای در این قانون طرح و اجرایی گردید که در اصلاحیه های بعدی قانون نظام صنفی نیز به اشکال دیگری ادامه یافت. در ادامه این مبحث مراحل مختلف تغییر و تحولات بازرسی و نظارت اصناف در قوانین بعد از پیروزی انقلاب از سال ۱۳۵۹ تا ۱۳۹۲ را مورد توجه قرار می دهیم اما قبل از آن توضیح ۳ نکته مهم ضروری است:

اولاً: نظارت بر عملکرد افراد صنفی در قوانین نظام صنفی دوره های مختلف شامل دو بخش عمده بوده است. بخش اول اقدامات و تعهداتی است که به موجب قانون فرد صنفی باید انجام دهد تا فعالیت هایش در چارچوب قانون قرار گیرد. مانند اخذ پروانه کسب، پرداخت حق عضویت، اجتناب از تداخل صنفی و ... در واقع در این بخش نظارت بر عملکرد فرد صنفی منحصر به مواردی است که وی تعهدات خود در قبال اتحادیه صنفی مرتبط را به خوبی انجام میدهد یا خیر؟

بخش دوم از نظارت بر عملکرد فرد صنفی مربوط به تعهداتی است که وی در قبال مشتری دارد. به عبارت دیگر انجام مطلوب تکالیف فرد صنفی و رعایت حقوق مشتری (مصرف کننده) از جمله موارد چون ارائه کالا یا خدمت با کیفیت و کمیت تعیین شده، رعایت درصد سود مجاز و قیمت های مشخص شده، اطلاع رسانی مناسب به مشتری (نصب برچسب قیمت)، عدم تبلیغ خلاف واقع در خصوص کالا یا خدمات مورد نظر و ...

ثانیاً: مبنای حقوقی نظارت بر عملکرد اصناف به عنوان ارائه کنندگان کالا یا خدمات در قوانین نظام صنفی ایران (مانند بسیاری از کشورهای دیگر)، ((نظریه مسئولیت محض)) است ((نه نظریه تقصیر)). بر مبنای مسئولیت محض ((فرد صنفی مسئول کیفیت و کمیت هر نوع کالا یا محصول در مقابل ارزش و حسن انجام کار در مقابل اجرت و یا دستمزد دریافتی می باشد)) و باید در برابر مشتری و قانون پاسخگو باشد.

ثالثاً: با دقت در قوانین نظام صنفی و رویه های اجرایی مربوط به فرایندهای بازرسی و نظارت در کشور طی پنجاه سال اخیر، به خوبی می توان به این نکته پی برد که نظارتهای انجام شده در مقاطعی ((شکایت محور)) و در مقاطعی ((بازرسی محور)) بوده است. اتخاذ تصمیم در این خصوص علاوه بر سلیقه مجریان و قانون گذاران هر دوره به شرایط خاص اقتصادی حاکم بر آن دوره بستگی داشته و هرگاه رعایت نظامات صنفی الویت داشته است ((شکایت محور)) و آنجا که استیفای حقوق مصرف کنندگان در اولویت بوده ((بازرسی محور)) شده است.

۲-۱- نظارت و بازرسی در قانون نظام صنفی مصوب ۱۳۵۹ شواری انقلاب:

در قانون نظام صنفی مصوب سال ۱۳۵۹ علاوه بر اینکه تشکیل کمیسیون فنی در اتحادیه ها به منظور رسیدگی به شکایات ارباب رجوع و مشتری و نظارت در حسن انجام کار و رعایت مقررات و اصول کسب توسط افراد صنفی

پیش بینی شده است، ساز و کار جدیدی برای نظارت و بازرسی تعریف شده است. در این قانون طی مواد ۶۸ تا ۸۵ انواع تخلفات افراد صنفی احصاء و مجازاتهای آن نیز تعیین شده است.

براساس ماده ۸۳، کمیسیون نظارت برای اجرای مقررات مربوط به فصل تخلفات و مجازاتهای افراد صنفی، مکلف است ناظرانی از بین معتمدین خود و مصرف کنندگان انتخاب نماید. گزارش ناظرانی که وسیله کمیسیون نظارت معرفی می شوند و بر آنها از طرف دادستان دادرسی عمومی یا رئیس دادگاه بخش مستقل محل کارت مخصوص صادر می شود در حدود ماده ۳۲۴ قانون آیین نامه دادرسی کیفری معتبر می باشد.

چنانکه ملاحظه می شود، براساس تجویز این ماده برای اولین بار ناظرینی خارج از حوزه اصناف و از بین مصرف کنندگان انتخاب می شوند تا بر عملکرد واحدهای صنفی نظارت نمایند. این افراد در صورت مشاهده تخلف، گزارش های خود را در اختیار دادگستری قرار داده تا در دادگاه های عمومی مورد رسیدگی قرار گیرد. برای اثبات اهمیت و توجه شورای انقلاب به تخلفات کسبه همین بس که براساس تبصره های ۱ و ۲ ماده ۶۴ همین قانون رسیدگی به جرائم و تخلفات مندرج در این قانون خارج از نوبت و بدون رعایت تشریفات مربوط به تحقیقات مقدماتی و صدور کیفر خواست در دادگاه های مذکور مطرح و مورد رسیدگی قرار می گرفت.

براساس مفاد ماده ۸۴ این قانون، خریداران و مصرف کنندگان می توانستند شکایات خود را در مورد گران فروشی، احتکار، کم فروشی و غیره به شوراهای محلی یا اتحادیه های منطقه ای صنفی مربوط تسلیم نمایند. شورای محلی و اتحادیه های منطقه ای صنفی موظف بودند بلافاصله شکایت را به ناظران مذکور در این ماده جهت پیگیری و تعقیب تسلیم نمایند و پس از اخذ نتیجه مراتب را به شاکی اعلام کنند.

بنابراین از سال ۱۳۵۹ و در چارچوب قانون نظام صنفی مصوب آن سال، موضوع نظارت و بازرسی اصناف به گروه هایی از ناظرین سپرده شد که چهار ویژگی داشتند:

- ۱- می توانستند از افراد صنفی یا غیر صنفی باشند.
- ۲- توسط کمیسیون های نظارت انتخاب می شدند.
- ۳- احکام خود را از دادستان دریافت می کردند
- ۴- گزارش های آنها در دادگاه های عمومی خارج از نوبت و بدون تشریفات مربوط به تحقیقات مقدماتی و صدور کیفر خواست رسیدگی می شد.

۲-۲- نظارت و بازرسی در قانون نظام صنفی مصوب سال ۱۳۶۸

در اردیبهشت ماه سال ۱۳۶۸ برخی از مواد قانون نظام صنفی مصوب سال ۱۳۵۹، در مجلس شورای اسلامی مورد بازنگری و اصلاح قرار گرفت و در ۱۳۶۸/۳/۱۱ به تایید شورای نگهبان رسید. در این اصلاحیه در مواد مربوط به بازرسی و نظارت اصناف و تخلفات و مجازاتهای این بخش تغییری صورت نگرفت و مواد مرتبط با این موضوعات به قوت خود باقی ماند.

۲-۳- تشکیل سازمان بازرسی و نظارت بر قیمت و توزیع کالا و خدمات

پس از اینکه اختیارات دولت در اعمال تعزیرات حکومتی که یک بار در سال ۱۳۶۶ اجرایی شده بود، در جلسات مورخ ۶۷/۱۲/۲۳ و ۶۹/۱۰/۸ ملغی گردید، شرایط خاص اقتصادی ایجاد شده پس از جنگ تحمیلی هشت ساله و دوران سازندگی و اجرای سیاست های تعدیل اقتصادی، که به افزایش بی سابقه تورم و رشد افسار گسیخته قیمتها در سال های ۷۲ و ۷۳ منجر شده بود باعث شد تا رئیس جمهور وقت طی نامه ای به مقام معظم رهبری از مشکل ایجاد شده به عنوان معضل اجتماعی یاد و از ایشان درخواست نماید اجازه دهند لایحه جدید دولت در مجمع تشخیص مصلحت نظام و با تکمیل طرح تعزیرات، رسیدگی و با اختیار تعزیر متخلفان در امور اقتصادی کلیه بخشهای اقتصادی به دولت واگذار شود. مقام معظم رهبری نیز در ۷۳/۷/۱۷ با این استدلال که چون تصمیم دولت خدمتگذار در باب مبارزه باگرانفروشی متوقف بر دارا بودن وسائل و امکانات قانونی است، موافقت نمودند مجمع در این باره تصمیم لازم را پس از مشاوره و مذاقه جوانب اتخاذ نماید.

پس از اخذ این موافقت، قانون اصلاح تعزیرات حکومتی مصوب ۶۷/۱۲/۲۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام در جلسه فوق العاده ۷۳/۷/۱۹ مجمع تصویب و در تاریخ ۷۳/۷/۲۲ جهت اجرا ابلاغ گردید.

به موجب این قانون سازمان های بازرسی و نظارت بر قیمت و توزیع کالا و خدمات و تعزیرات حکومتی با شرایط خاص از نظر مسائل اداری، استخدامی، بودجه و ... و با اختیارات وسیع در مبارزه با تخلفات اقتصادی کلیه بخش ها تشکیل گردید.

یکی از حوزه های مهم تحت نظارت سازمان بازرسی و نظارت بر قیمت و توزیع کالا و خدمات، حوزه اصناف بود که بازرسان سازمان در قالب تیم های بازرسی از واحدهای عمده و خرده فروشی بازرسی و عملکرد واحدهای صنفی را بررسی نموده و در صورت مشاهده تخلفات مندرج در قانون تعزیرات حکومتی پرونده تخلف تشکیل و جهت رسیدگی به تعزیرات حکومتی ارسال می شد.

علاوه بر انجام بازرسی های دوره ای، موضوع رسیدگی به شکایات مردمی نیز که از طریق تلفن های ۱۲۴ ستاد خبری سازمان بازرسی و نظارت دریافت می شد همواره در دستور کار قرار داشت و این ستادها در سراسر کشور فعال بوده و شکایت ها و گزارش های مردم را اخذ و توسط بازرسین رسیدگی می نمودند.

سازمان بازرسی و نظارت بر قیمت و توزیع کالا و خدمات علاوه بر بهره گیری از توان تعداد زیادی بازرس و کارشناس استخدامی در سطوح مختلف، طرح استفاده از نیروهای مردمی تحت عنوان بازرسان افتخاری (که از سال ۷۸ به ناظرین افتخاری تغییر نام داد) را نیز در دستور کار خود قرار داد.

در دوره فعالیت سازمان بازرسی و نظارت، عمده اقدامات نظارتی و بازرسی سازمان های صنفی به نظارت بر عملکرد واحدهای صنفی در رعایت مقررات مرتبط با اتحادیه ها خلاصه می شد و به ندرت در حوزه امور مربوط به تعامل افراد صنفی با مشتریان وارد می شدند. این مقطع دولتی ترین دوره نظارت و بازرسی بر فعالیت بنگاه های اقتصادی بود که به تدریج با حرکت کشور به سمت ثبات نسبی اقتصادی از تب و تاب آن کاسته شد و تا جایی پیش رفت که در محافل اقتصادی از عدم نیاز به وجود چنین تشکیلاتی سخن گفته می شد و نهایتاً نیز منجر به ادغام ستاد سازمان حمایت مصرف کنندگان و تولیدکنندگان و واحدهای استانی سال آن در ادارات کل بازرگانی استانها گردید. شاید افراط در دولتی کردن بازرسی و نظارت و به حاشیه راندن کلی سازمانهای صنفی باعث شد تا در سال های ۸۰ و ۸۱ به تدریج زمزمه های بی نیازی کشور به وجود سازمان بازرسی و نظارت و لزوم واگذاری امور اصناف به خودشان مطرح گردد. زمزمه هایی که در نهایت به اصلاح قانون نظام صنفی کشور در سال ۱۳۸۲ و واگذاری کلیه امور نظارت و بازرسی واحدهای صنفی به اصناف در چارچوب طرح نظارت اصناف بر اصناف منجر شد.

۲-۴- نظارت و بازرسی در قانون نظام صنفی سال ۱۳۸۲

تصویب قانون نظام صنفی جدید با اصلاحات کلی نسبت به قانون مصوب سال ۱۳۵۹ شورای انقلاب را شاید بتوان نقطه عطفی در تاریخ اصناف کشور در بخش بازرسی و نظارت و رسیدگی به شکایات و تخلفات دانست. در این قانون علاوه بر اینکه برای اولین بار براساس بند (ط) ماده ۳۰، تشکیل کمیسیونهای بازرسی از واحدهای صنفی در ردیف وظایف و اختیارات اتحادیه های صنفی قرار گرفت، رسیدگی به تخلفات و صدور رأی نیز به هیات هایی واگذار شد که هم در مرحله بدوی و هم در مرحله تجدید نظر یکی از اعضاء سه نفره این هیاتها، نماینده مجمع امور صنفی بود. در واقع به موجب قانون نظام صنفی سال ۱۳۸۲، اختیار رسیدگی به تخلفات صنفی که قبلاً از دادگاه های عمومی زیر مجموعه قوه قضائیه سلب و به شعب تعزیرات حکومتی واگذار شده بود، از این شعب نیز سلب و به عهده هیات های بدوی و تجدید نظر رسیدگی به تخلفات صنفی با عضویت رسمی نماینده اصناف گذاشته شد.

بدنبال لغو مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام در خصوص تعزیرات حکومتی مربوط به اصناف و واحدهای صنفی و تشکیل هیأت های رسیدگی به تخلفات صنفی، واحدهای بازرسی و نظارت اصناف به موجب این الحاقیه ای که در سال ۸۶ به آیین نامه اجرایی ماده ۴۵ قانون نظام صنفی (مربوط به وظایف و اختیارات اتحادیه ها) اضافه شد، تشکیل و زیر نظر شورای اصناف کشور فعالیت خود را آغاز کردند. در این دوره علاوه بر بازرسان و ناظران کمیسیونهای نظارت که به موجب ماده ۵۲ قانون نظام صنفی مصوب سال ۱۳۸۲ فعالیت می کردند، بازرسان و ناظرانی نیز با معرفی اتحادیه ها در واحدهای بازرسی و نظارت اصناف سازماندهی و مشغول کار شدند و سازمان های صنفی عملاً انجام بخشی از وظایف حاکمیتی دولت در حوزه نظارت، بازرسی و تعزیر و تنبیه متخلفان را بر عهده گرفتند.

البته با قانون حمایت از حقوق مصرف کنندگان در سال ۱۳۸۸ هیأت های رسیدگی به تخلفات صنفی تعطیل و وظیفه رسیدگی به تخلفات صنفی مجدداً به سازمان تعزیرات حکومتی محول شد.

۲-۵- نظارت و بازرسی در قانون نظام صنفی مصوب سال ۱۳۹۲ مجلس شورای اسلامی

با توجه به اشکالاتی که بر قانون نظام صنفی مصوب سال ۱۳۸۲ وارد بود، این قانون در سال ۱۳۹۲ پس از ده سال اجرا، در برخی از مواد توسط مجلس شورای اسلامی اصلاح شد. در این اصلاحیه به جزء دو مورد تغییر عمده ای در حوزه بازرسی و نظارت اصناف صورت نگرفت. مورد اول اینکه به موجب بند (ش) ماده ۳۶، تشکیل واحد بازرسی و نظارت به منظور نظارت بر عملکرد واحدهای صنفی و بررسی شکایات، به وظایف اتاق اصناف اضافه شد و در مورد دوم نیز بر اساس تبصره ۲ ماده ۷۲، در رسیدگی به پرونده های تخلف مربوط به گرانفروشی، کم فروشی، تقلب، احتکار و عدم اجرای ضوابط قیمت گذاری و توزیع، در صورتی که شکایت یا گزارش، حاکی از تخلف بیش از سه میلیون ریال باشد، رسیدگی توسط هیأتی صورت می گیرد که علاوه بر رئیس شورای شعبه تعزیرات، نماینده اتاق اصناف و نماینده سازمان صنعت، معدن و تجارت نیز در آن حضور دارند.

چنانکه ملاحظه می شود در اصلاحیه سال ۱۳۹۲ قانون نظام صنفی مجدداً در رسیدگی به بخشی از پرونده های تخلفات صنفی (پرونده هایی که میزان تخلف بیش از سه میلیون ریال باشد) نمایندگان اصناف دخالت داده شده اند. روند تغییرات و اصلاحات مکرر انجام شده در قانون نظام صنفی، بویژه تحولات ایجاد شده در موضوع بازرسی و نظارت واحدهای صنفی، نشان دهنده این است که قانون گذاران و مجریان در تصویب مقررات مربوط به این بخش کاملاً غیر مطمئن تصمیم گیری می کنند و در فضایی سرشار از شک و تردید در هر دوره وضعیت جدیدی را پیشنهاد، تصویب و اجرایی نموده و مرتب در وضعیت آزمون و خطا قرار دارند.

نظارت و بازرسی در سایر کشورها

بازرسی و نظارت بر عملکرد بنگاه های اقتصادی در همه کشورها با دو هدف اصلی انجام می شود؛

الف) ارزیابی میزان رعایت مقررات و قوانین مرتبط با فعالیت بنگاه توسط متصدیان آن

ب) بررسی میزان پای بندی بنگاه به حقوق مشتریان و برخورد با اجحاف های احتمالی آن

باتوجه به بررسی مختصری که در فصل اول این نوشتار در خصوص وضعیت بازرسی و نظارت در حوزه اصناف (واحدهای عمده و خرده فروشی که مایحتاج عمومی مردم را تامین می کنند) در ایران به عمل آمد، در این فصل تلاش خواهد شد به همین موضوع، یعنی نحوه بازرسی و نظارت بر عملکرد بنگاه های اقتصادی تامین کننده مایحتاج مردم در چند کشور دیگر، با نظام های اقتصادی مختلف پرداخته شود تا در انتها بتوان نوع نگرش به موضوع مزبور را در مکاتب مختلف اقتصادی با یکدیگر مقایسه کرد. البته قطعاً به این نکته توجه شده است که مقایسه رفتار حکومت ها در خصوص یک موضوع صرفاً به معنای اطلاع از شیوه های اجرایی متفاوت در یک موضوع واحد است تا بتوان آنجا که شرایط یکسان و مؤلفه های تشکیل دهنده اقدامات اجرایی مشترک است، بهترین و اثربخش ترین شیوه را برگزید و در موارد اختلاف اوضاع و شرایط نیز، از تجربه دیگران در اتخاذ شیوه های کارآمد تر استفاده کرد.

امروزه اقدامات کشورهای مختلف بویژه کشورهای توسعه یافته در بازرسی و نظارت بر عملکرد بنگاه های اقتصادی تامین کننده مایحتاج مردم، بر قوانین و مقررات رعایت و حمایت از حقوق مصرف کنندگان مبتنی است که در جوامع مختلف به شیوه های متفاوت به آن پرداخته شده است. سازمان ملل متحد در سال ۱۹۸۶ با هدف گسترش و تعمیق فرهنگ حمایت از مصرف کنندگان در کشورهای عضو و به ویژه کشورهای در حال توسعه، رهنمودهایی را تصویب نمود که به حقوق هشت گانه مصرف کنندگان معروف است. براساس این رهنمودها، مصرف کنندگان در کشورهای عضو سازمان ملل متحد از حق برخورداری از سلامت و ایمنی، حق داشتن اطلاعات صحیح و کامل، حق بهره مندی از بازار رقابتی و غیر انحصاری، حق لحاظ شدن تأمین نیازهای اساسی در تصمیم گیری ها، حق جبران خسارت در صورت مورد اجحاف واقع شدن، حق آموزش، حق داشتن محیط زیست سالم و حق داشتن تشکل برخوردارند و دولتها مکلفند به منظور تحقق این حقوق ساز و کارهای لازم را پیش بینی و اجرا نمایند.

۱- امریکا

در ایالات متحده امریکا تشکیلات قدرتمندی با نام ((هیات تجاری برتر)) متولی دفاع از حقوق مصرف کنندگان است. این تشکیلات خبرنامه ای رابه صورت ماهیانه با عنوان ((مصرف کننده عاقل)) منتشر می کند که در آن در قسمت اخطار به مصرف کننده، نام شرکتهای مختلف اعلام می شود، آخرین قوانین و مقرراتی که در راستای

منافع مصرف کننده وضع شده است درج می شود و آدرس شرکت ها و محصولات و خدمات تولیدی آنها که در لیست سیاه قرار ندارند اطلاع رسانی می شود.

به شرکت هایی که تعهدات برجسته ای در خصوص رعایت استانداردها در زمینه حقوق مصرف کننده دارند جایزه ای تحت عنوان جایزه مشعل بین المللی که نشانه رعایت اصول اخلاقی بازار است اعطا می شود.

تشکیلات دیگری نیز در امریکا با عنوان ((انجمن مصرف کننده)) یا CU فعال است که مأموریت اصلی آن ((کار برای ایجاد بازار عادلانه برای تمام مصرف کنندگان و قدرتمند نمودن مصرف کنندگان در بازار)) است. رسالت این انجمن این است که ((ما آزمون می کنیم، اطلاع می دهیم و حمایت می کنیم)). انجمن مصرف کننده نام کالاهایی را که باید از سطح بازار جمع آوری شود اعلام می کند، اسامی شرکت های معتبر را اطلاع رسانی می نماید، سایت انجمن به صورت خودکار به سرویس های رسیدگی به شکایات مشتری متصل است و انجمن از طرف مصرف کننده طرح دعوی و شکایت می کند. این انجمن با داشتن یکی از بزرگترین مراکز تحقیق و آزمایش در دنیا (یونکرز) کالاها را توسط خریداران ناشناس از بازار جمع آوری و آزمایش نموده و از طریق مجله ((گزارش مصرف کننده)) اطلاع رسانی می نماید.

نقش دولت در ایالات متحده در خصوص موضوع مورد بحث، تدوین و توصیه قوانین متقن و استانداردهای شفاف بهداشتی، ایمنی، زیست محیطی و تلاش برای رفع انحصار و آموزش و اطلاع رسانی عمومی مردم است تا از حقوق خود آگاهی داشته باشند تا اگر مورد اجحاف قرار گیرند بتوانند تحت حمایت تشکلهای حامی حقوق مصرف کنندگان در محاکم قضایی احقاق حق نمایند. در این کشور در مواردی که با سلامت مردم مرتبط است ضوابط سخت گیرانه ای حاکم است و چون نظام رقابتی پیشرفته ای وجود دارد معمولاً هرگونه اعتراضی از سوی مصرف کنندگان در همان مراحل اولیه و در فروشگاه عرضه کننده کالا یا خدمت حل و فصل و رضایت مشتری جلب می شود. حضور قدرتمند تشکلهای مردمی و وجود قوانین محکم و باز دارنده تقریباً دولت را از حضور مستقیم و فیزیکی برای بازرسی و نظارت بر عملکرد بازار بی نیاز کرده است.

۲- سوئد

انجمن مصرف کنندگان سوئد که با هدف قدرتمند کردن مصرف کننده و افزایش میزان تأثیر بر بازار و آگاه سازی و آموزش مصرف کنندگان تشکیل شده است به صورت مرتب بررسی هایی را در سطح بازار انجام داده و شرکت های متخلف را به مردم معرفی و تعداد و موارد تخلف آنها همچنین میزان خسارات وارد شده به مصرف کنندگان را اطلاع رسانی نموده و گزارش تخلفات را به پلیس و وزارت دادگستری ارسال می نماید. این انجمن دارای یک هیات رسیدگی به شکایات است که به عنوان میانجی بین تولیدکننده یا عرضه کننده و مصرف کننده بدون هزینه و در کمترین وقت ممکن به اختلافات رسیدگی و در ۷۵ درصد موارد نظر هیأت توسط طرفین

پذیرفته می شود. در این کشور نیز رصد بازار و تهیه گزارشات مختلف، همچنین ارسال گزارشات تخلف به مراجع قانونی توسط تشکل مصرف کنندگان انجام می شود و دولت بر کل فرایند نظارت می نماید.

۳- هند

در کشور پرجمعیت و پهناور هند، ((انجمن هدایت مصرف کنندگان هند)) که در سال ۱۹۶۶ تشکیل شده است علاوه بر آموزش و اطلاع رسانی به مصرف کنندگان در کمیسیون های دولتی قیمت گذاری و تست و ارزش گذاری کالاها حضور یافته و در دعاوی که یک طرف آن مصرف کننده است ضمن ارائه مشورت، حکمیت بین دو طرف را نیز بر عهده گرفته و در اغلب موارد آراء صادره توسط انجمن به حل و فصل دعوی منجر می شود. در واقع تشکل حامی مصرف کنندگان در کنار نهادهای دولتی قرار می گیرد و از مرحله قیمت گذاری کالاها تا آزمون نمونه های جمع آوری شده از سطح بازار و رسیدگی به شکایات حضور دارد.

۴- کانادا

در کانادا از سال ۱۹۴۷ اتحادیه ای تحت عنوان (اتحادیه مصرف کنندگان) ایجاد شده است که وظیفه آموزش و اطلاع رسانی به مصرف کنندگان در خصوص وضعیت کالاها و خدمات موجود در بازار را بر عهده دارد. اطلاع از وضعیت کالاها و خدمات موجود در بازار و اظهار نظر در مورد کیفیت آنها، مستلزم رصد مستمر و حضور دائمی نمایندگان این اتحادیه در سطح بازار است. این اتحادیه به شکایات مصرف کنندگان در ارتباط با دولت، تولید کنندگان و عرضه کنندگان کالاها و خدمات رسیدگی کرده و اعلام نظر می کند. همچنین الویت بندی کالاها و خدمات موجود در بازار با نظر مصرف کنندگان یکی از وظایف این اتحادیه است.

۵- ونزوئلا

در ونزوئلا موسسه ای دولتی با عنوان ((موسسه حمایت از افراد برای دسترسی به کالا و خدمات)) که از سال ۲۰۰۹ تشکیل شده است، وظیفه دفاع و حمایت و ایجاد اطمینان خاطر از حصول حقوق و منافع آحاد مردم و گروه ها برای دسترسی به کالاها و خدمات و نیز ایجاد ساز و کار مقابله با قانون شکنی و تعیین جریمه های مربوطه را برعهده دارد. این موسسه وابسته به وزارت بازرگانی ونزوئلاست و تقریباً نقش مشابه ((سازمان حمایت مصرف کنندگان و تولیدکنندگان)) در ایران ایفا می نماید. در این کشور سیستم اقتصادی تقریباً دولتی است و تحت تاثیر اندیشه های کمونیستی اداره می شود. بنابراین انجام بررسی ها و نظارت بر عملکرد بنگاه های اقتصادی نیز توسط مأمورین همین موسسه دولتی انجام و جرائم نیز توسط آنها تعیین می شود.

۶- نیوزلند

در نیوزلند نیز وزارتخانه ای با نام ((وزارت امور مصرف کنندگان)) فعالیت می کند و تقریباً همه امور مرتبط با این بخش از جمله تدوین خط مشی های حمایت از حقوق مصرف کنندگان، تهیه پیش نویس قوانین و مقررات مربوطه، تحقیق پیرامون تشکل های دولتی و غیره دولتی مرتبط با حقوق مصرف کنندگان، اجرای قانون اوزان و مقادیر، بررسی ناسالم بودن محصولات مورد استفاده مصرف کنندگان و آموزش مصرف کنندگان را بر عهده دارد و اقدامات نظارتی و کنترل بازار کلاً در اختیار دولت است.

۷- ژاپن

در کشور ژاپن موسسه مستقلی با نام ((مرکز ملی امور مصرف کنندگان ژاپن))، (NCAC) مسئولیت موارد مرتبط با مصرف کنندگان این کشور را بر عهده دارد این مرکز با فراهم کردن امکانات و شرایط لازم به عنوان مشاور مصرف کنندگان عمل کرده و پاسخگو سوالات آنهاست، به شکایات آنها از عرضه کنندگان و تولید کنندگان کالاها و خدمات رسیدگی می کند. نمونه کالاها را از سطح بازار جمع آوری و آزمایش می کند و نتیجه آن را به اطلاع مصرف کنندگان می رساند. به صورت مستمر در خصوص مشکلات مصرف کنندگان تحقیق و بررسی نموده و نتیجه تحقیقات خود را در رسانه ها منتشر می کند. این مرکز همچنین به عنوان مرکزی معتبر نسبت به آموزش، اطلاع رسانی و راهنمایی خرید کالا و خدمات برای مصرف کنندگان اقدام می نماید.

۸- مالزی

در کشور مالزی ((انجمن مصرف کنندگان)) (fomca) که در سال ۱۹۶۵ تشکیل شده است هر جا که لازم باشد نسبت به نمونه برداری از کالاهای سطح بازار اقدام و آزمون های لازم را انجام می دهد، نتایج این آزمونها به اطلاع مردم می رسد. همچنین این انجمن وظیفه دفاع از مصرف کنندگان در مقابل تولید کنندگان یا عرضه کنندگان کالاها را بر عهده دارد. در مالزی بخش اعظم توزیع کالا و ارائه خدمات توسط فروشگاه های بزرگ و زنجیره ای (هایپر مارکتها) صورت میگیرد که دولت در امور بهداشتی، ایمنی و زیست محیطی نظارت جدی بر عملکرد آنها دارد. فضای رقابتی موجود تقریباً مانع ارتکاب تخلف می شود اما در صورتی که مشتری به هر دلیل از کالایی ناراضی باشد بدون سوال پس گرفته می شود و رضایت او جلب می گردد تا شکایتی صورت نگیرد. در برخی کالاهای اساسی و خاص مانند شکر که از اهمیت ویژه ای در این کشور برخوردار است قیمت گذاری نیز انجام می شود. تمرکز دولت بر اجرای دقیق قوانین است و برای تحقق این مهم سخت گیری می کند. قیمت گذاری در موارد معدودی انجام می شود و ساز و کارهای اقتصاد آزاد در بیشتر موارد تعیین کننده قیمت هاست.

۹- چین

در چین انجمن مصرف کنندگان دولتی است. اعضای شورای آن از سوی دولت و انجمن های استانی تحت نظارت دولت تعیین می شوند. این انجمن ها در سطح کشور پراکنده است و تعدادشان به ۱۵۰ هزار نیز می رسد. عمده وظایف این انجمن های دولتی نظارت بر کالا و خدمات، اطلاع رسانی به مردم، مشارکت با ادارات دولتی در امر نظارت و بازرسی کالا و خدمات، رسیدگی به شکایات مشتریان و معرفی قوانین مناسب احقاق حقوق مصرف کنندگان می باشد. این انجمن از سال ۱۹۸۴ تشکیل شده است و تا سال ۲۰۱۰ بیش از ۸ میلیون شکایت دریافت و به ۹۵ درصد آنها رسیدگی کرده است. در چین از پتانسیل رسانه ها برای نقد فعالیت های ناقض حقوق مصرف کنندگان به خوبی توسط انجمن مصرف کنندگان استفاده می شود. بنابراین نظارت و بازرسی در چین در اختیار دولت بوده و از توان انجمن مصرف کنندگان که خود نیز تشکل دولتی است در نظارت بر عملکرد بازار استفاده می شود.

۱۰- قبرس

اتحادیه مصرف کنندگان قبرس در سال ۱۹۷۳ به عنوان نهادی غیر دولتی تشکیل شده است. این اتحادیه وظیفه نظارت بر اجرای موثر قوانین مرتبط با مصرف کننده را بر عهده دارد و با انتشار نشریات رایگان برای اعضا و تاسیس آموزش های تخصصی، آموزش های لازم را به آنها انتقال می دهد. این اتحادیه مشاورینی دارد که هنگام رسیدگی به شکایات مصرف کنندگان ضمن تماس با سازمان های رسیدگی کننده وظیفه دفاع از مصرف کننده را بر عهده می گیرند. همچنین نمایندگان اتحادیه در کمیته استاندارد شورای امور مصرف کنندگان و کمیسیون های تخصصی پارلمان شرکت کرده و مشاوره می دهند. نهاد دولتی مرتبط با حقوق مصرف کنندگان در قبرس ((شورای امور مصرف کنندگان)) است که همه امور حاکمیتی این بخش توسط این شورا انجام میشود.

تحلیل وضعیت کشورهای منتخب:

با توجه به مطالبی که در ارتباط با نحوه تعامل مصرف کنندگان و عرضه کنندگان و چگونگی نظارت بر بازار و تأمین حقوق مصرف کنندگان در ۱۰ کشور منتخب بیان شد، کشورهای مورد بررسی را می توان در سه گروه دسته بندی کرد:

الف) کشورهای دارای اقتصادی آزاد مانند امریکا، سوئد، کانادا و ژاپن

ب) کشورهای دارای اقتصاد دولتی مانند ونزوئلا و چین

ج) کشورهای دارای نظام اقتصاد تلفیقی مانند هند و مالزی

در کشورهای دارای اقتصاد آزاد همه تلاشهایی که برای دفاع از حقوق مصرف کنندگان و نظارت بر عملکرد بنگاه های اقتصادی خرده فروشی انجام شده است بر ۳ اصل کلی مبتنی می باشد:

– ارائه اطلاعات کامل به مصرف کننده قبل از ورود به بازار

– فراهم کردن امکان انتخاب و دسترسی به انواع کالاها و خدمات مورد نیاز مشتری

– حمایت جدی دولت از مصرف کننده در تحقق دو مرحله اول و برخورد با تخلفات احتمالی عرضه کنندگان

در این کشورها شیوه های گوناگونی برای نظارت بر بازار و ایفای نقش حمایتی دولت از مصرف کنندگان در پیش گرفته شده است. در واقع با توجه به اهداف دولتها در نظارت بر بازار که اصلی ترین آن حمایت از حقوق مصرف کنندگان است، ساز و کارهایی تعریف و مقدماتی فراهم شده است تا هدف اصلی تحقق بیابد. **وضع قوانین متقن، اطلاع رسانی و آگاهی بخشی وسیع، تبیین حقوق مصرف کنندگان و تکالیف و تعهدات طرف مقابل، ایجاد تشکیلات گسترده برای رصد بازار و برخورد جدی با متخلفین از قانون، پنج گام مهم در فرآیند نظارتی کشورهای توسعه یافته برخوردار از اقتصاد آزاد بر عملکرد بازار است. از این پنج گام دو گام توسط حکومتها و سه گام نیز توسط مردم برداشته می شود. دولتها مقررات و ضوابط شفاف، منطقی و محکمی وضع می نمایند و با متخلفین از این ضوابط به شدت برخورد می کنند اما اطلاع رسانی، آموزش، تبیین حقوق افراد و رصد بازار توسط تشکلهای خاص مصرف کنندگان صورت میگیرد.**

در این کشورها نظام حاکم بر اقتصاد و استحکام مبانی حقوقی در کنار رشد تکنولوژی شرایطی را ایجاد کرده است که دولتها با کمترین حضور فیزیکی، بیشترین نظارت را بر حسن اجرای قوانین در سطح بازار اعمال می کنند. شکل گیری فروشگاه های بزرگ و زنجیره ای و توزیع بخش اعظم کالاها و خدمات مورد نیاز مردم از طریق این فروشگاه ها در فضایی کاملاً رقابتی باعث افزایش کیفیت کالاها و خدمات و تعدیل قیمتها شده است.

تشکیل اتحادیه ها و انجمن های مصرف کنندگان با اختیارات قانونی لازم و چاپ و نشر اطلاعات مورد نیاز مصرف کنندگان توسط این تشکلهای و همچنین جمع آوری آخرین اطلاعات مربوط به کالاها و خدمات از سطح بازار و حتی آزمون ها و انتشار نتایج حاصله هم برای مردم و هم برای دولتها مثمرتر است. مردم برنامه خرید خود را با توجه به این اطلاعات تنظیم می کنند و دولتها با تخلفات رصد شده توسط این تشکلهای برخوردار قانونی می نمایند.

در گروه دوم کشورهایی که دارای اقتصاد دولتی هستند در واقع همه آنچه که باید توسط مردم و تشکلهای مرتبط با آنها انجام شود نیز توسط نهادهای دولتی انجام می شود به عبارت دیگر علاوه بر وضع قوانین که گام اول است و برخورد با متخلفین که گام آخر است، سایر موارد نیز از جمله آموزش، اطلاع رسانی و نظارت و بازرسی کالا و خدمات و حتی رسیدگی به شکایات توسط همین نهاد های دولتی انجام می شود. انجمن مصرف کنندگان چین و موسسه حمایت از افراد برای دسترسی به کالاها و خدمات در ونزوئلا نمونه بارز چنین ساز و کارهایی هستند هرچند در همین کشورها نیز به اقتضای شرایط حاکم بر اقتصاد جهانی ضرورت حرکت حاکمیت به سمت استفاده از توان و مشارکت مردم مشاهده می شود اما هنوز نهادینه نشده است.

گروه سوم کشورهایی هستند که اعتقادی به اقتصاد دولتی ندارند اما شرایط حاکم بر آن کشور به دلایل مختلف اجازه پیاده سازی کامل اقتصاد آزاد را نیز نمی دهد. در این کشورها دولتها تلاش می کنند به تدریج از دخالت خود در اقتصاد بکاهند و شرایط کشور را برای حرکت به سمت رقابت بیشتر فراهم نمایند.

در این کشورها فرآیند نظارت و بازرسی بر عملکرد بازار و حمایت از حقوق مصرف کنندگان به تدریج و به تناسب کاهش میزان تصدی گری دولت در اقتصاد برنامه ریزی و اجرا می شود. در واقع دولتها در حال گذر از مرحله تصدی گری صرف در حوزه نظارت و بازرسی به مرحله مشارکت دادن مردم در امور مرتبط با این بخش هستند و شیوه های گوناگونی را نیز برای نیل به این هدف تجربه می کنند.

شرایط ایران

شرایط ایران در جغرافیای اقتصادی پیش گفته، شاید تشابه چندانی با هیچیک از اقتصادهای نامبرده نداشته باشد. کثرت وجود واحدهای صنفی عمده و خرده فروشی با مساحتهای کوچک که بعضاً بدون رعایت استانداردهای لازم شکل گرفته اند و توزیع بخش عمده مایحتاج مردم از طریق این واحدها که تعدادشان به بیش از سه میلیون واحد در کشور می رسد یکی از چالشهای عمده برنامه های نظارتی بر عملکرد بازار است. همچنین تغییرات مکرر در قوانین و مقررات این بخش و عدم برخورداری این قوانین از استحکام و شفافیت لازم که منجر به دست به دست شدن مداوم وظایف و اختیارات نظارت و بازرسی طی ۵۰ سال گذشته شده است یکی دیگر از معضلات به حساب می آید. اقدام بی سابقه مجموعه قانونگذاری کشور در واگذاری بخش زیادی از وظایف حاکمیتی دولت در حوزه نظارت و بازرسی به سازمانهای صنفی عرضه کنندگان، و نه تشکلهای حامی مصرف کنندگان، که تقریباً در هیچ جای جهان مسبق به سابقه نیست، از دیگر چالشهای نظام بازرسی و نظارت در ایران است.

فصل اول

« مقایسه صلاحیت عام محاکم دادگستری با صلاحیت خاص

مراجع غیر قضایی»

صلاحیت مراجع قضایی در رسیدگی به دعاوی اصل است این مراجع صلاحیت عام دارند در عین حال قانونگذار بنا به بعضی مصالح، رسیدگی و بررسی بعضی از امور را در اختیار مراجع غیر دادگستری قرار داده است.

۱: تعریف صلاحیت و انواع آن

صلاحیت عبارتست از « توانایی و الزام» و یا « حق و تکلیفی» که مراجع اعم از قضایی و اداری در رسیدگی به دعاوی، شکایات و یا امور بخصوصی که قانون به آنها ارجاع نموده است دارند، بنابراین مراجع قانونی اعم از اداری، شبه قضایی و یا قضایی به حکم قانون مجاز به رسیدگی به شکایات و دعاوی می باشند ضمن اینکه در صورت ارجاع موضوع به آنان مکلف به رسیدگی و صدور حکم هستند و این توانایی و الزام به حکم قانون است.

صلاحیت را به انواع **صلاحیت ذاتی، صلاحیت نسبی و صلاحیت محلی** تقسیم می کنند.

صلاحیت ذاتی صلاحیتی است غیر قابل تغییر که با نظم عمومی گره خورده و مشتمل بر «صنف» و «نوع» و «درجه» است هر چند قانونگذار تعریف روشن و دقیقی از آن ارائه نکرده است.

- ۱- صنف در صلاحیت ذاتی یعنی تشخیص اینکه موضوع مطروحه قضایی است یا اداری و یا مدنی است یا کیفری
- ۲- نوع در صلاحیت ذاتی یعنی تشخیص اختصاصی یا عمومی بودن مرجع صالح
- ۳- درجه در صلاحیت ذاتی یعنی تالی یا عالی بودن

اهمیت صلاحیت

صلاحیت از آن جهت اهمیت دارد که برای جلوگیری از هرج و مرج، رسیدگی تابع قواعد دقیقی گردیده و رعایت این قواعد برای اصحاب دعوی و مراجع قضایی تا حدی که با نظم عمومی مربوط بشود اجباری و تخطی از آن مجاز نمی باشد.

تشخیص صلاحیت

اولین موضوعی که در رجوع به مراجع صالح مورد توجه قرار می گیرد تعیین و تشخیص مرجعی است که در رسیدگی به امر مورد نظر صالح باشد لذا بررسی صلاحیت قبل از ورود به ماهیت دعوا صورت می پذیرد.

طرح دعوی بایستی در مرجعی باشد که قانون آنرا صالح دانسته قانونگذار در ماده ۲۶ قانون آیین دادرسی مدنی تشخیص صلاحیت یا عدم صلاحیت هر دادگاه نسبت به دعوی که به آن رجوع شده است را با همان دادگاه دانسته و در مورد مراجع غیر قضایی نیز وضع به همین منوال می باشد و وظیفه انطباق موضوع صلاحیت قانونی با همان مراجع و در اختیار آنهاست.

پس از آنکه مرجع رسیدگی کننده عدم صلاحیت خود را تشخیص داد مکلف است رأساً با صدور قرار عدم صلاحیت، از رسیدگی امتناع نموده و اصل پرونده را برای مرجع صالح ارسال دارد.

«ضمانت اجرای رسیدگی به موضوع با وصف نداشتن صلاحیت ذاتی»

عدم رعایت قواعد صلاحیت ذاتی به دلیل اینکه مربوط به نظم عمومی جامعه و از قوانین آمره است تخییری نیست بلکه موجب نقض حکم و کان لم یکن شدن آن می گردد از طرفی اصولاً اصحاب دعوی هم نمی توانند بر اساس توافق با هم به محکمه فاقد صلاحیت ذاتی مراجعه نمایند، به عبارت دیگر مرجعی که دعوا در آن مطرح شده چنانچه فاقد صلاحیت ذاتی در رسیدگی به آن باشد مکلف است حتی بدون ایراد ذینفع از رسیدگی به آن دعوا امتناع نموده و قرار عدم صلاحیت صادر نماید. در حقیقت به صراحت بند ۱ ماده ۳۷۱ و ماده ۳۵۲ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی مراجع عالی یا دادگاه تجدید نظر در صورتی که حکم از دادگاهی صادر شده باشد که صلاحیت ذاتی برای رسیدگی به موضوع را نداشته است رأی را نقض می نمایند و پرونده را به مرجع صالح ارسال می نماید.

تخلف از قواعد مربوط به صلاحیت ذاتی، موجب بطلان مطلق آثار آن است.

۲: تقسیم بندی مراجع از حیث صلاحیت

دادگاههای عام

دادگاههای عمومی مراجع قضایی هستند که صلاحیت و شایستگی رسیدگی به کلیه دعاوی اعم از حقوقی و کیفری را دارند مگر آنچه را قانون از صلاحیت آنها خارج کرده و در صلاحیت دیگر مراجع قرار داده است.

دادگاهها یا مراجع خاص

مراجع اختصاصی مراجعی هستند که صرفاً مجاز به رسیدگی به همان مواردی هستند که قانون احصاء کرده و لاغیر، عبارت دیگر صلاحیت رسیدگی در دادگاههای اختصاصی بر خلاف اصل و استثنایی است که خود به دو دسته تقسیم می شود:

الف) مراجع اختصاصی داخل تشکیلات قضایی مثل دادگاه انقلاب، نظامی، دیوان عدالت اداری

ب) مراجع اختصاصی خارج از تشکیلات قضایی

این مراجع حق رسیدگی به هیچ امری را ندارند غیر از آنچه قانون صراحتاً اجازه داده است و تشکیلات و ترتیبات رسیدگی آنها به موجب قانون علیحده مشخص گردیده. به عبارت دیگر مفهوم مراجع اختصاصی در برابر مراجع عمومی مراجعی است که صلاحیت آنها منحصر به رسیدگی به امور و یا محاکمه اشخاصی است که قانونگذار صراحتاً مشخص نموده است.

هر یک از مراجع اختصاصی خارج تشکیلات قضایی به امری اختصاصی رسیدگی می نمایند و از نظر تعداد و نوع بسیارند این مراجع استثنایی بر اصل رسیدگی صلاحیت عام محاکم دادگستری هستند که قانونگذار بنابر مصالحی اجازه رسیدگی به آنها داده است. (سازمان تعزیرات حکومتی، هیأت های حل اختلاف سازمان امور مالیاتی)

علت تشکیل مراجع اختصاصی این تفکر بود که رسیدگی به برخی جرائم و دعاوی، اطلاعات خاصی را ایجاب می نماید و از این نظر مستلزم وجود مراجع خاصی با آیین دادرسی مخصوص می باشد این نظر در بسیاری از کشورها طرفدارانی دارد اما در کشورهایی نیز تشکیل آن مراجع با مخالفت های جدی مواجه است زیرا علماء حقوق بر این عقیده اند این مراجع تحت نفوذ حکومت قرار گرفته و بنابراین احتمال زیادی وجود دارد که حقوق مهم مردم بنحو شایسته تأمین نگردد، گفته شده در ژاپن حتی یک دادگاه اختصاصی وجود ندارد.

آنچه مسلم است تشکیل مراجع قضایی استثنایی چنانچه در انتخاب «قضات» آنها اصولی که بی طرفی، استقلال و ... آنها را تضمین نماید و همچنین اصولی که در رسیدگی و صدور رأی نهایی حقوق دفاع را تأمین کند رعایت شود می تواند مورد تأیید قرار گیرد.

شاید بتوان گفت فلسفه تشکیل مراجع خاص رسیدگی آن است که به علت پیچیدگی هایی خاصی که بعضی از موضوعات دارد تخصص لازم اشخاص رسیدگی کننده در تشخیص و تعیین تکلیف نسبت به آن را می طلبد

علاوه بر آن رسیدگی سریع و مجانی و دور از تشریفات از ضروریات رسیدگی به امور محوله می باشد بدلیل اینکه در بسیاری از موارد تخلف یک طرف یا اختلافات طرفین دعوا اقتضای رسیدگی فوری و سریع دارد که چنانچه این مهم با پیچ و خم دادگاههای عمومی، در اوقات و هزینه های دادرسی قرار گیرد منجر به نتیجه نخواهد بود یا نتیجه آن آثار اجتماعی و فردی مورد نظر قانونگذار را نخواهد داشت.

از مضرات تشکیل مراجع اختصاصی این است که اولاً به دلایل مختلف صلاحیت مراجع عمومی کاهش یافته و با توجه به پراکندگی قوانین همواره در تعیین مراجع صالح و پیدا کردن آن اشکالاتی پیش می آید بحث اختلاف در صلاحیت و ترتیب حل اختلاف یکی از موجبات تأخیر در کار و اخذ نتیجه است، ثانیاً مراجع اختصاصی نمی تواند استقلال لازم یک مرجع کامل قضایی را داشته باشند قالب اعضای این مراجع از کارمندان قوه مجریه هستند و ممکن است سلسله مراتب اداری در تصمیمات آنها تأثیر بگذارد.

بدیهی است با توجه به تخصصی شدن امور در فضای اجتماعی امروز ضرورت دارد نظارت، رسیدگی و حل اختلافات نیز بصورت تخصصی صورت پذیرد ضمن آنکه همچنانکه در فوق گذشت اقتضای بعضی از امور و دعاوی سرعت در حل و رسیدگی است و تطویل آنرا از ثمر دهی و اثر گذاری دور می سازد، همچنین شایسته است در کنار مراجعی که برای حل و فصل خصومت هزینه دادرسی مطالبه می نمایند مراجعی نیز وجود داشته باشند که اقتضات روزانه زندگی مردم را بدون هزینه و به آسانی بررسی و دغدغه های روحی و آلام فکری ایشان را که گاه زندگی آنها را مختل می سازد مرتفع کنند. از این رو بسیاری از اندیشمندان دانش حقوق و جامعه شناسان وجود مراجع اختصاصی بشرط دقت و توجه در انتخاب دادرسان و رؤسای شعب و اعضای هیئت های رسیدگی کننده را مطلوب و مفید ارزیابی می کنند.

النهایه شعب سازمان تعزیرات حکومتی بعنوان مراجع خاص رسیدگی بر اساس توضیحات صدر فقط حق ورود به اموری را دارند که به موجب قانون صراحتاً به ایشان واگذار شده است و برای رسیدگی به هر امر نص خاص صلاحیت خود را باید مدنظر داشته باشند از این رو در این بخش به بررسی قوانین و مقررات موجد صلاحیت شعب سازمان تعزیرات حکومتی می پردازیم.

و اما صلاحیت واحد بازرسی و نظارت اتاق های اصناف :

از آنجائیکه ماده ۲ قانون نظام صنفی، افراد صنفی را مشخص و در تبصره ذیل آن مشمولیت قانون خاص را از افراد صنفی احصاء و مستثنی نموده است و بر اساس بند ش ماده ۳۷ ق.ن.ص « نظارت بر عملکرد واحدهای صنفی و بررسی شکایات» را بر عهده واحدهای بازرسی و نظارت اتاق اصناف دانسته، همچنین وفق ماده ۹۶

همین قانون به صراحت مواد ۱۴ و ۱۵ و ۱۷ و ۲۲ قانون حمایت از حقوق مصرف کنندگان مصوب ۱۳۸۸/۰۷/۱۵ را لغو و بلا اثر نموده است.

در نتیجه صلاحیت بازرسیین واحدهای بازرسی و نظارت اتاق اصناف معطوف به افراد صنفی اعم از خرده فروشی - عمده فروشی - فروشگاه زنجیره ای کوچک و بزرگ و انبارها می باشد که با پس از رصد، پایش و نظارت از فعالان صنفی، در صورت احراز تخلف، برگ گزارش تنظیم و به مراجع ذیصلاح ارسال می شود.

فصل دوم

«قوانین منشاء صلاحیت های سازمان تعزیرات حکومتی»

۱: ماده واحده موضوع قانون اصلاح قانون تعزیرات حکومتی

مصوب ۷۳/۷/۱۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام

این ماده واحده مقرر می دارد «با توجه به ضرورت نظارت و کنترل دولت بر امور اقتصادی و لزوم هماهنگی مراجع قیمت گذاری و توزیع کالا و اجرای مقررات و ضوابط مربوط به آن، کلیه امور تعزیرات حکومتی بخش دولتی و غیر دولتی اعم از امور بازرسی و نظارت، رسیدگی و صدور حکم قطعی و اجرا آن به دولت (قوه مجریه) محول میگردد تا بر اساس جرایم و مجازاتهای مقرر در قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۶۷/۱۲/۲۳ اقدام نماید.»

به استناد ماده واحده قانون فوق الاشاره و بر اساس تصویب نامه شماره ۵۲۰۲ مورخ ۷۳/۷/۲۳ هیأت محترم وزیران دو سازمان تحت عناوین «سازمان تعزیرات حکومتی» و «سازمان بازرسی و نظارت بر قیمت و توزیع کالا و خدمات» تحت نظارت وزیر دادگستری و وزارت بازرگانی با شرح وظایف خاصی ایجاد گردید تا بازرسان و مأمورین سازمان بازرسی و نظارت بعنوان ضابطین تعزیرات حکومتی امر کنترل و بازرسی واحدهای صنفی و تجاری را انجام و نسبت به تنظیم گزارش تخلفات احتمالی اقدام نمایند و سازمان تعزیرات حکومتی نیز با ایجاد ادارات و شعب رسیدگی کننده و با رعایت ضوابط قانونی نسبت به رسیدگی، صدور حکم و اجرای آن اقدام نمایند. تأملی در عمده وظایف و اختیارات آنها مفید بنظر می رسد.

الف) سازمان بازرسی و نظارت بر قیمت و توزیع کالا و خدمات

این سازمان در گذشته به منظور بازرسی و نظارت مستمر بر اجرای مقررات قیمت گذاری و ضوابط توزیع و تخلفات تعزیرات حکومتی در وزارت بازرگانی سابق تشکیل و اداره می شد. سازمان دارای شخصیت حقوقی مستقل بود و رئیس آن توسط وزیر بازرگانی تعیین و منصوب می گردید عمده وظایف و اختیارات سازمان عبارت بودند از:

- بازرسی و نظارت بر قیمت و توزیع کالا و خدمات مشمول در کلیه بخشها (دولتی، تعاونی، خصوصی و نهادها) اعم از تولیدات و واردات آنها
- اعمال نظارت بر اجرای قیمتها در کلیه موارد از قبیل اعلام قیمتهای مصوب، صدور فاکتور، نصب برچسب و فروش
- تدوین و اجرای روشهای کارآمد بازرسی و نظارت متناسب با نوع کالا و خدمات
- نظارت بر برنامه تولید و شبکه توزیع کالا و خدمات مشمول واحدهای تولیدی
- نظارت بر حسن اجرای ضوابط و مقررات توزیع کالا و خدمات

- اخذ اطلاعات و آمار از کلیه واحدهای تولیدی، توزیعی و وارد کنندگان کالا و خدمات مشمول اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی
- دریافت شکایات و بازرسی تخلفات مربوط به قیمت و توزیع کالاهای تولیدی، وارداتی و نیز خدمات
- تعیین اولویت نظارت و بازرسی به ویژه در برخورد با متخلفان
- تنظیم گزارش تخلفات و اعلام آن به سازمان تعزیرات جهت اقدامات بعدی و پیگیری اخذ نتیجه اقدام طبق برنامه زمانی مصوب
- بازرسی و نظارت بر تخلفات مذکور در قانون تعزیرات حکومتی

نظارت بر امور مربوط به تخصیص ارز و گشایش اعتبار کالاهای مشمول و زمانبندی گشایش اعتبارات

گزارش بازرسان و مأموران سازمان به منزله گزارش ضابطین سازمان تعزیرات بوده و تمرد، مقاومت و اهانت نسبت به بازرسان و مأموران سازمان، از مصادیق جرائم علیه مأموران دولتی محسوب گردیده و مشمول مقررات قانون مجازات اسلامی می باشد. همچنین نظرات کارشناسی سازمان جهت ملاحظه رئیس شعبه صادر کننده رأی تنظیم و ارسال می گردد. این مقطع دولتی ترین دوره نظارت و بازرسی بر فعالیت بنگاه های اقتصادی بوده که به تدریج با حرکت کشور به سمت ثبات نسبی اقتصادی از تب و تاب آن کاسته شد تا جایی پیش رفت که در محافل اقتصادی از عدم نیاز به وجود چنین تشکیلاتی سخن گفته می شود و نهایتاً نیز منجر به ادغام ستاد سازمان حمایت مصرف کنندگان و تولیدکنندگان و واحدهای استانی آن در ادارات کل بازرگانی استانها گردید.

ب) سازمان تعزیرات حکومتی

این سازمان از جمله مراجع اختصاصی است که بر اساس آیین نامه ها، دستور العملهای خاص و مصوبات ستاد پشتیبانی برنامه تنظیم بازار به تخلفات و جرائم رسیدگی می نماید. سازمان تحت نظر وزیر دادگستری تشکیل و رئیس سازمان معاون وزیر دادگستری می باشد و علاوه بر امور اجرایی سازمان سایر وظایف قانونی که در آیین نامه سازمان و مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام مشخص شده را عهده دار خواهد شد.

مطابق مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام، به منظور رسیدگی و صدور حکم راجع به تخلفات موضوع قانون تعزیرات حکومتی در مراکز استانها و شهرستانها شعبی تحت عنوان شعب رسیدگی به تعزیرات حکومتی تشکیل گردیده و شعب مزبور شامل شعب بدوی و تجدید نظر بوده و شعبه عالی تجدید نظر نیز در مرکز تشکیل و چنانچه وزیر دادگستری آرای قطعی شعب تعزیرات را خلاف قانون بداند پرونده را جهت رسیدگی به این شعبه ارجاع خواهد داد.

کلیه ضابطین دستگاه قضایی و مأموران سازمان حمایت و بازرسی اصناف، ضابط سازمان تعزیرات حکومتی محسوب می شوند. دادگستری و نیروی انتظامی و کلیه دستگاههای اجرایی و شرکتهای تحت پوشش دولت و ملی شده و نهادهای انقلابی و موسسات عمومی غیر دولتی و شرکتهای و سازمان های تابعه و سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و زندانها موظف هستند نسبت به اجرای احکام صادره از شعب تعزیرات حکومتی اقدام نمایند.

در ادامه هر چند سازمان تعزیرات حکومتی به عنوان نهاد رسیدگی کننده ثبات خود را حفظ نموده اما امور بازرسی و کنترل و اعلام تخلفات، تغییرات و تحولات متعددی پیدا کرد و دورههای مختلف از ادغام در وزارت بازرگانی، حضور در وزارت صنعت، معدن و تجارت، تقسیم شدن به زیر مجموعه سازمانهای صنعت معدن تجارت و سازمان حمایت از مصرف کنندگان و تولیدکنندگان و فعالیت تحت نظر شورای اصناف (سابق) و اتاق اصناف (فعلی) و ... را تجربه کرد که شایسته است در فرصت مناسب و در جای خود آثار این تغییرات در بحث کیفیت، کمیت و اثر گذاری بازرسی ها مورد نقد و آسیب شناسی قرار گیرد.

۲: قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۶۷/۱۲/۲۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام

همانگونه که گذشت صلاحیت شعب سازمان تعزیرات حکومتی خاص است و به تخلفاتی که صراحتاً عنوان سازمان تعزیرات حکومتی را به عنوان مرجع رسیدگی کننده تصریح داشته منحصر می شود.

در گذشته اصلی ترین قانون موضوع صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی قانون صدر الذکر بود در قانون تعزیرات حکومتی، تخلفاتی همچون گرانفروشی، تقلب و کم فروشی، احتکار، عرضه خارج از شبکه، عدم درج قیمت، اخفاء و امتناع از عرضه کالا، عدم صدور فاکتور، عدم اجرای ضوابط قیمت گذاری، عدم اجرای تعهدات واردکنندگان و تولیدکنندگان در قبال دریافت ارز و خدمات دولتی، نداشتن پروانه کسب و بهره برداری، فروش اجباری، عدم اعلام موجودی و در اختیار گرفتن کالاها بصورت عمده بر خلاف ضوابط و مقررات توزیع یا قیمت پیش بینی و مجازاتی برای آن در نظر گرفته شده است.

یکی از ویژگیهای این قانون در نظر گرفتن مراتب تعزیر می باشد با این توضیح که تخلف در مراتب گوناگون دارای مجازاتهای متفاوتی بوده و مجازات هر مرتبه شدیدتر از مرتبه قبل می باشد. این رویه در قوانینی که بعدها به موازات قانون تعزیرات حکومتی تحت عناوین قانون نظام صنفی و ... در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید ادامه یافت.

۳: قانون تعزیرات حکومتی امور بهداشتی و درمانی مصوب ۶۷/۱۲/۲۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام

یکی از مهمترین صلاحیتهای سازمان رسیدگی به تخلفات موضوع قانون تعزیرات حکومتی امور بهداشتی و درمانی مصوب ۶۷/۱۲/۲۳ مجمع محترم تشخیص مصلحت نظام است.

با توجه به صلاحیت عام محاکم و دادسرای عمومی، تخلفات پزشکی همواره در دادسراها و دادگاههای دادگستری مورد رسیدگی قرار می گرفته است.

مصوبه مجمع محترم تشخیص مصلحت نظام در زمینه تعزیرات حکومتی امور بهداشتی و درمانی که در تاریخ ۶۷/۱۲/۲۳ به تصویب رسید، تقریباً قسمت عمده ای از جرایم پیش بینی شده در قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی مصوب ۲۹ خرداد ماه ۱۳۳۴ و اصلاحات بعدی آن را در بر گرفت و مصوبه موخر بر قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی محسوب می گردید.

لیکن با توجه به اینکه صلاحیت رسیدگی به این جرایم در اختیار دولت قرار داشت و ماده ۴۴ قانون مذکور نیز مقرر می داشت: «اعمال تعزیرات حکومتی موضوع این قانون مانع اجرای مجازاتهای قانونی دیگر نخواهد بود» از زمان تصویب این قانون چه در زمانی که اجرای آن در صلاحیت قوه مجریه بود و چه در زمانی که رسیدگی به جرایم مذکور در دادسرا و دادگاههای انقلاب اسلامی محول گردید هرگز اعمال و اجرای آن مانع اجرای قوانین و مقررات دیگر پزشکی از جمله قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و ... مصوب سال ۱۳۳۴ نگردید ضمن اینکه اساساً پاره ای از جرایم پزشکی و دارویی مصرح در قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی در قانون تعزیرات حکومتی امور بهداشتی و درمانی پیش بینی نشده است.

مضافاً اعمال و اجرای قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و اصلاحیه های بعدی آن و سایر قوانین و مقررات حاکم بر قصور و سهل انگاری پزشکان و صاحبان حرف وابسته در انجام وظیفه تا قبل از تصویب قانون اصلاح ماده سه قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی ... در صلاحیت دادسراها و دادگاههای عمومی بود و در برخی از شهرستانها علی الخصوص در تهران شعب و نواحی ویژه ای از دادسرای عمومی و دادگاه کیفری به آن اختصاص یافته بود.

با تصویب قانون تعزیرات حکومتی امور بهداشتی و درمانی مصوب سال ۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام که قسمت عمده ای از جرایم پزشکی و دارویی مندرج در قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی را به صورت تکراری و با وضع قواعد مشابه و نتیجتاً با لحاظ تعدد مراجع صلاحیتدار پیش بینی نموده بود و از طرفی قانون

مؤخر بر قانون مذکور محسوب میگردید مشکلات عدیده ای را برای دستگاه قضایی اعم از دادسراها و دادگاههای عمومی و انقلاب و سایر مراجع ذیربط از جمله وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سازمانهای منطقه ای بهداشت و درمان استانها یا دانشگاههای علوم پزشکی و خدمات بهداشتی، درمانی ایجاد کرده بود. این مهم زمانی درخور توجه بیشتر قرار گرفت که مجمع تشخیص مصلحت نظام رسیدگی به جرایم پزشکی و دارویی موضوع تعزیرات حکومتی را مجدداً در اختیار دولت (سازمان تعزیرات حکومتی) قرارداد و پرونده های متشکله در دادسراها و دادگاههای انقلاب اسلامی که دوران همزمانی با اجرای قانون تشکیل سازمان تعزیرات حکومتی را می گذرانید با صدور قرار عدم صلاحیت به سازمان تعزیرات حکومتی ارسال شد و قابل توجه است که مجلس شورای اسلامی با وضع قانون اصلاح ماده ۳ قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی ... در ۲۹ فروردین ماه ۱۳۷۴ رسیدگی به برخی از جرایم پزشکی و دارویی را در صلاحیت دادگاههای انقلاب اسلامی قرار داد و بدین ترتیب در حال حاضر برخی از جرایم پزشکی و دارویی بویژه قصور و سهل انگاری پزشکان و تخلف از قوانین و مقررات صاحبان حرف پزشکی و دارویی در دادگاههای عمومی مورد رسیدگی قرار می گیرد و صلاحیت رسیدگی پاره ای از این جرائم با دادگاههای انقلاب اسلامی است و بخش عمده ای از آن در صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی می باشد همچنین پاره ای از تخلفات پزشکی و دارویی تخلف انتظامی محسوب می گردد که صلاحیت رسیدگی به اینگونه تخلفات در هیئت های بدوی و عالی انتظامی سازمان نظام پزشکی است.

۴: قانون نظام صنفی و اصلاحات آن

بررسی قانون نظام صنفی و اصلاحات و الحاقات و تحولات آن خود نیازمند فصلی مبسوط و از حوصله این گفتار خارج است. کوتاه سخن آنکه ساماندهی امورات مربوط به صنوف پس از انقلاب با قانون نظام صنفی مورخ ۵۹/۴/۱۳ انسجام و نظام یافت. این قانون از بعد مرجع صالح برای رسیدگی به تخلفات مصرحه در آن بارها تغییر یافت. گاه شعب تعزیرات حکومتی با رعایت ماده ۵۲ قانون تعزیرات حکومتی به مجازاتهای مقرر در این قانون به عنوان مجازاتهای مشدد مراجعه می کردند. در دورانی صلاحیت رسیدگی به این تخلفات از شعب سازمان تعزیرات سلب و به هیئت های صنفی مستقر در سازمانهای بازرگانی محول شد. در ادامه این صلاحیت مجدداً به شعب تعزیرات حکومتی اعاده و سرانجام قانون اصلاح نظام صنفی مصوب ۹۲/۶/۱۲ مجلس شورای اسلامی شیوه ای بیناین در پیش گرفت، بدین توضیح که ضمن توسعه تخلفات و جرم انگاری مواردی جدید، صلاحیت عمومی شعب تعزیرات حکومتی در رسیدگی به تخلفات اصناف را پذیرفت، لکن در ۵ تخلف گرانفروشی، کم فروشی، تقلب، احتکار و عدم اجرای ضوابط قیمت گذاری و توزیع در مواردی که موضوع شکایت شاکی یا گزارش بازرس حاکی از تخلف بیش از سه میلیون ریال باشد موضوع توسط هیئتی متشکل از یکی از رؤسای شعب سازمان تعزیرات حکومتی، نماینده اتاق اصناف و نماینده سازمان صنعت، معدن و تجارت با دعوت از شاکی و

مشتکی عنه رسیدگی خواهد شد ضمن اینکه در صورت تجدید نظر خواهی هر یک از طرفین نسبت به آرای هیئت های بدوی، هیأت تجدید نظر متشکل از یکی از رؤسای شعب تجدیدنظر سازمان تعزیرات حکومتی، نماینده اتاق اصناف و نماینده اداره صنعت، معدن و تجارت شهرستان به موضوع، رسیدگی خواهد کرد.

این قانون تأکید می کند که ترتیبات رسیدگی اعم از ابلاغ، تشکیل جلسات، و خواهی و اجرای حکم به موجب مقررات سازمان تعزیرات حکومتی صورت می گیرد. بررسی و تحلیل تخلفات موضوع قانون نظام صنفی خود مجالی مستقل و ویژه می طلبد و نظر به مبتلا به بودن آن و کثرت مصادیق مطروحه ضرورت آن در جای خود اجتناب ناپذیر است.

۵: قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز

یکی دیگر از صلاحیتهای سازمان تعزیرات حکومتی رسیدگی به تخلفات قاچاق کالا و ارز می باشد مبارزه با قاچاق کالا و ارز از ابتدای سال ۱۳۱۳ و بموجب قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب ۲۹ اسفند ۱۳۱۲ در نظام حقوقی ایران پیش بینی و اجرایی گردید.

برای دوره ها و سالهای طولانی قاچاق فقط در مصادیق جزئی و خاص مطرح و شیوع و رواج چندانی نداشت لذا موضوع بحث های علمی، اجرایی و تقنینی هم نبود. لکن پس از سالهای اتمام جنگ تحمیلی و همزمان با تغییرات و تحولاتی که خارج از مرزهای کشور از لحاظ اقتصادی، سیاسی و تجاری رخ داد. جرایم و تخلفات قاچاق شیوع و کثرتی بی سابقه یافت لذا قانونگذار با تدوین و تصویب قوانین و آیین نامه های متعدد درصدد مبارزه با آن برآمد، از جمله این قوانین قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز مصوب ۷۴/۲/۱۲ مجمع تشخیص مصلت نظام بود که نظام صلاحیت دو مرحله ای را برای رسیدگی به پرونده های قاچاق پیش بینی کرد؛ به موجب ماده ۴ آن قانون مراجع قضایی مکلفند پس از دریافت شکایت حداکثر ظرف مهلت یکماه نسبت به صدور حکم اقدام و مراتب را به گمرک یا سایر ادارات ذیربط اعلام نمایند تبصره ۲ این ماده تصریح می نمود؛ «در صورت عدم رسیدگی یا تطویل دادرسی و عدم تعیین تکلیف قطعی پرونده در مدت فوق الذکر، سازمان تعزیرات حکومتی با درخواست سازمان شاکی می تواند همان پرونده را از محاکم قضایی یا سازمان شاکی مطالبه و طبق جرایم و مجازاتهای مقرر در قوانین مربوط و این قانون اقدام نماید.»

بدین ترتیب سازمان تعزیرات حکومتی با کسب صلاحیت ثانویه وارد رسیدگی به پرونده های قاچاق کالا و ارز شد، نحوه عملکرد شعب سازمان و شرایط قاچاق در کشور مقنن را بر آن داشت تا با تصویب قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۹۲/۱۰/۳ به جای دو مرحله ای کردن صلاحیت رسیدگی به یک پرونده، پرونده های

قاچاق کالا و ارز را به دو گروه جرایم قاچاق و تخلفات مربوط به قاچاق تقسیم و مقرر دارد « رسیدگی به جرایم قاچاق کالا و ارز سازمان یافته و حرفه ای، قاچاق کالاهای ممنوع و قاچاق کالا و ارز مستلزم حبس و یا انفصال از خدمات دولتی در صلاحیت دادسرا و دادگاه انقلاب است، سایر پرونده های قاچاق کالا و ارز، تخلف محسوب و رسیدگی به آن در صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی است.»

بدین ترتیب اکثر پرونده های قاچاق کالا و ارز در صلاحیت شعب تعزیرات حکومتی قرار گرفت.

۶: قانون حمایت از حقوق مصرف کنندگان و تولید کنندگان مصوب ۸۸/۷/۱۵

در این مجموعه مقنن کوشید تا تولیدکنندگان، وارد کنندگان، فروشندگان کالا و ارائه کنندگان خدمات را نسبت به صحت و سلامت کالا یا خدمات عرضه شده مسئول و متعهد سازد. این قانون نیز با تصریح به صلاحیت شعب تعزیرات حکومتی، رسیدگی به کلیه تخلفات موضوع وظایف عرضه کنندگان کالا و خدمات در قبال حقوق مصرف کنندگان (اعم از صنفی و غیر صنفی) را به شعب سازمان تعزیرات حکومتی ارجاع نمود. شایان ذکر است بدنبال تصویب قانون اصلاح قانون نظام صنفی مواردی از این قانون در بخش تخلفات اصناف لغو و نسخ گردیده است. بدیهی است شعب تعزیرات حکومتی در رسیدگی به تخلفات موضوع صلاحیتهای مار الذکر می توانند حسب مورد به قوانین و مقررات دیگری نیز مراجعه که در جای خود بدان اشاره خواهد شد.

فصل سوم

« بررسی و تحلیل قانون نظام صنفی »

بررسی برخی از مواد قانون نظام صنفی مصوب ۹۲/۶/۱۲

در این مجال به بررسی برخی از مواد ق.ن.ص به شیوه مطالعات حقوق جزای اختصاصی پرداخته و شرایط، عناصر تشکیل دهنده هر تخلف و ضمانت اجرای خاص آن را مطالعه می کنیم.

« بند ش ماده ۳۷ و بند ۶ ماده ۴۵ ق.ن.ص با دستور العمل مربوطه »

- تشکیل واحدهای بازرسی و نظارت به منظور نظارت بر عملکرد واحدهای صنفی و بررسی شکایات
- نظارت بر عملکرد اتاق های اصناف شهرستان ها و مراکز استان ها و مدیریت بازرسی و نظارت آن ها بر واحدهای صنفی

وظایف و اختیارات واحد بازرسی و نظارت:

- ۱- بازرسی و نظارت بر واحدهای صنفی به منظور جلوگیری و بررسی تخلفات مربوط به فصل هشتم قانون
- ۲- ارایه اطلاعات و آمار مورد نیاز از شبکه توزیع کالا و خدمات صنفی و همچنین تخلفات واحدهای صنفی به طور مستمر به اتاق اصناف ایران و کمیسیون نظارت ذی ربط.
- ۳- شناسایی اقلام کالا و خدمات صنفی دارای اولویت برای قیمت گذاری مطابق با دستورالعمل موضوع بند (ط) ماده (۵۵) قانون، جهت اعلام به کمیسیون نظارت و یا اتاق اصناف ایران
- ۴- همکاری با بازرسان و ناظران کمیسیون نظارت، سازمان حمایت مصرف کنندگان و تولیدکنندگان و شعب تعزیرات حکومتی

۵- همکاری با اتحادیه های صنفی در شناسایی واحدهای صنفی بدون پروانه کسب قانونگذار در این ماده به کلیات امر پرداخته و علت تفنین این مجموعه قانونی را بیان کرده است اگر چه قانونگذار مکلف نیست علت و انگیزه خود را از قانونگذاری در متن قانون بیان کند اما فراوان مشاهده می شود عبارات و توضیحاتی که جایگاه مقدمه یا کلیات را دارند تحت شمارگان ماده قانونی قرار گرفته و در آنها مقنن کوشیده است ضرورت های مورد نظر و الزامات اجتماعی یا صنفی یا زمانی مورد مطالبه خود را تشریح کند لذا بمنظور ضرورت نظارت و کنترل دولت بر فعالیتهای اقتصادی و لزوم اجرای مقررات قیمت گذاری و ضوابط توزیع، متخلفین از اجرای مقررات بر اساس مواد این قانون تعزیر می شوند.»

در متن آن، قانونگذار نظارت و کنترل دولت بر فعالیتهای اقتصادی را ضروری دانسته و در حقیقت علت اینکه رسیدگی به این تخلفات را در مجموعه ای درون دولت تعبیه نموده را توضیح می دهد و تصریح می دارد این مهم باید توسط دولت (که مراد قوه مجریه است) انجام پذیرد. در ادامه نقض کنندگان این مقررات را متخلف

نام نهاده تا آنها را از گروه مجرمین که رسیدگی به بزه های ارتكابی شان در قوه قضائیه بعنوان مرجع عام تظلمات صورت می پذیرد جدا سازد.

این واژه پاسخی است بر این سوال مهم که آیا موارد مذکور در قانون نظام صنفی عنوان جرم دارند یا تخلف قلمداد می شوند؟

باید گفت از نظر حقوقی میان جرم و تخلف تفاوت هست در گذشته این تمایز به صراحت در قانون مشخص شده بود.

در حقوق جزای عمومی که جرایم بر اساس مجازاتهای مقرر تقسیم بندی شده بود عناوین تخلف، جنحه و جنایت مبنای تقسیم بندی بود، بدنبال نسخ قانون مجازات عمومی این تقسیم بندی ملغی الاثر شد.

حقوقدانان برای مرزبندی میان تخلف و جرم دیدگاهها و استدلالات گوناگونی را مطرح نموده اند یک نظر نسبتاً فراگیر آن است که در جرم اساساً باید عناصر و ارکان تشکیل دهنده کامل باشد و یکایک آنها محرز شود (عناصر مادی، معنوی و قانونی) اما در تخلف وجود همه عناصر از جمله عنصر معنوی چندان ضرورت ندارد.

این نظر بیشتر بر مبنای سیاق قانون تعریف می شود چرا که معمولاً قانونگذار هر جا از تخلف سخن به میان آورده و رفتاری را تخلف دانسته عنصر معنوی را لحاظ نکرده و انگیزه را مد نظر قرار نداده است.

در پاسخ می توان گفت مواردی از جرایم هستند که در آنها نیز قانونگذار عنصر معنوی را مفروض دانسته و در مقابل مواردی از تخلفات هستند که قانونگذار به صراحت عنصر معنوی را مشخص نموده است چنانکه در ماده ۶۰ همین قانون، قصد گرانفروشی یا اضرار به جامعه را مورد تصریح قرار داده است.

نظر دیگر آنکه از آنجا که هر دو این عناوین زیر مجموعه های حقوق جزا هستند و ضمانت اجرای کیفری دارند آنچه مجازاتش مستلزم حبس محکوم علیه باشد جرم است و در مقابل مجازات تخلف باید به مرحله حبس نرسد، ناگفته پیداست که جرایم فراوانی هستند که مجازاتی غیر از حبس دارند و با ضمانت اجرای جزای نقدی، شلاق و یا محرومیت های اجتماعی تعریف شده اند و در عین حال تخلفاتی هستند که اگر چه مستقیم حکم حبس در پی ندارند اما رسیدگی به آنها مستلزم صدور قرارهایی است که به آسانی منجر به محبوس شدن متهم یا محکوم علیه می گردد مانند قرارهای وثیقه در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز که با عجز متهم یا محکوم منجر به حبس وی می شود.

یک نظر غالب آن است که جرم باید منحصرأ توسط قاضی مورد رسیدگی قرار گیرد اما رسیدگی به تخلف را میتوان به افرادی که از دانش حقوق بهره مندند لیکن واجد ابلاغ قضایی نیستند نیز واگذار کرد. این دیدگاه صرفنظر از ماهیت فعل، به ویژگی دادرسی می پردازد که بدیهی است بر مبنای آن نمی توان تحلیل روشنی از

ساختار تخلف یا جرم ارائه داد. ضمن آنکه این دیدگاه قضات را از رسیدگی به تخلف منع و نهی نمی کند لذا ملاکی برای تمیز جرم از تخلف نیست.

گروهی بر آنند که جرم آسیب و شدت بیشتری دارد و آثار مخرب اجتماعی آن بزرگتر، در نتیجه مبارزه با آن اهمیت بالاتری دارد. حال آنکه تخلف شدت و تخریب اجتماعی کمتری دارد. این نظر با بسیاری از مصادیق تخلف که آثار اجتماعی گسترده و نگرانی عمومی را بدنبال می آورند سازگاری ندارد از جمله وقتی یک کارخانه تولید مواد غذایی پرمصرف فرمول ساخت خود را مراعات نکند و از مواد مضر یا غیرقابل مصرف در ساخت محصول خود استفاده کند تخلفی شکل گرفته که آثار اجتماعی فراگیر دارد.

گاه گفته می شود در رسیدگی به جرایم باید تمامی قواعد آیین دادرسی مراعات گردد اما مراعات جز به جزء قواعد دادرسی در رسیدگی به تخلفات ضرورتی ندارد البته این نظر را میتوان جزء آثار تقسیم بندی جرم و تخلف دانست نه معیار و ملاک برای تقسیم آنها.

کوتاه سخن آنکه بنظر می رسد در نظام حقوقی کنونی ما هنوز معیاری جامع و مانع که بتواند با تیزیابی تمامی تخلفات را از جرایم جدا کند تعریف نشده است و باید به تقسیم بندی قانونگذار که در صدر یا ذیل یک مجموعه یا یک متن قانونی مطرح می نماید مراجعه کرد و شاید بتوان گفت فعلاً تخلف آن است که قانونگذار صراحتاً آن رفتار را تخلف بداند و آنرا شمول عنوان جرم خارج کند.

تعاریف، ارکان و عناصر متشکله تخلفات در فصل هشتم ق.ن.ص

تخلف گرانفروشی (ماده ۵۷ ق.ن.ص)

تعریف گرانفروشی: گرانفروشی عبارت است از عرضه یا فروش کالا یا خدمات به بهای بیشتر از نرخهای تعیین شده توسط مراجع قانونی ذیربط و عدم اجرای مقررات و ضوابط قیمت گذاری و انجام هر نوع اقدامات دیگر که منجر به افزایش بهای کالا یا خدمات برای خریدار گردد.

مطابق با تعریف ارائه شده در ماده ۵۷ ق.ن.ص در رابطه با گرانفروشی، تشخیص گرانفروشی از سه طریق زیر مسیر است:

- ۱- عرضه یا فروش کالا یا ارائه خدمت به بهایی که بیش از نرخ تعیین شده؛ که بواسطه مراجع قانونی ذی ربط برخوردار می باشند.
- ۲- عرضه یا فروش کالا یا ارائه خدمت به بهایی که بدون رعایت و اجرای مقررات و ضوابط قیمت گذاری تعیین گردیده است. به موجب قانون نظام صنفی، از آنجایی که قیمت گذاری بر عهده کمیسیون نظارت و سازمان حمایت از مصرف کنندگان و تولیدکنندگان می باشد، تشخیص گرانفروشی از طریق این معیار تنها برای کالاهای مشمول قیمت گذاری در مراجع مربوطه صادق است.
- ۳- عرضه یا فروش کالا یا ارائه خدمت به بهایی که منجر به افزایش زیان خریدار گردد. بدیهی است، هیچ کس بهتر از خریدار قادر به تشخیص نفع و زیان خود نیست؛ لذا در این رابطه تنها گرانفروشی در صورت طرح شکایت از سوی خریدار قابل بررسی است.

ارکان تخلف گرانفروشی

شکل اول عنصر مادی؛ « عرضه ی کالا یا خدمات به بهای بیش از نرخ های تعیین شده توسط مراجع رسمی

جزء اول؛ « عرضه (اعم از کالا یا خدمات)»

عرضه از نظر لغوی یعنی به نمایش گذاشتن، ارائه کردن

از نظر اصطلاح حقوقی عرضه عبارت است از اینکه کالاها یا خدمات با تعیین میزان و مقادیر و نرخ قانونی در معرض دید مشتریان قرار بگیرد.

برخی می گویند عرضه دعوت به معامله است. برخی عرضه را همان ایجاب در حقوق مدنی می دانند یک نظر نیز آن است که منظور از عرضه همان وقوع معامله است و بنابراین معامله باید واقع شود تا بتوانیم گرانفروشی را متصور شویم.

اما بنظر می رسد عرضه رفتاری غیر از فروش و شاید قبل از فروش است چنانکه قانونگذار در برخی قوانین صراحتاً عرضه و فروش را از هم جدا کرده است اما بنظر در ماده ۵۷ قانون ق.ن.ص عرضه را امری جدای از فروش نمی داند.

در هر صورت بنظر می رسد قانونگذار در تحقق این تخلف عرضه به معنای ارائه کردن و به نمایش گذاشتن را مد نظر داشته است و همینکه قیمت کالا یا خدماتی به نمایش گذاشته شد به شرط تحقق سایر شرایط موجود در ماده قانونی، گرانفروشی تحقق یافته است.

جزء دوم از شکل اول عنصر مادی؛ «به بهای بیشتر از نرخهای تعیین شده توسط مراجع نرخ های تعیین شده به وسیله ی مراجع قانونی ذی ربط»

پرسشی که فوراً به ذهن می رسد آن است که مراجع قانونی ذیربط کجاست؟

برای تعیین مراجع قانونی باید به سایر قوانین و مقررات مراجعه کرد، بطور عام و معمول سازمان حمایت تولید کنندگان و مصرف کنندگان مرجع رسمی تعیین قیمت و بهای کالا و خدمات است اما در کنار آن و بموجب سایر مقررات بسته به کالا یا خدمات موضوع پرونده شورای عالی اقتصاد، کمیسیونهای تنظیم بازار، سازمان نظام پزشکی، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، وزارت نفت، وزارت راه و شهرسازی و... می توانند مرجع رسمی تعیین بهای کالا یا خدمات قلمداد شوند.

نکته دیگر آنکه علیرغم اینکه این ماده قانونی سخن از مراجع رسمی تعیین نرخ می کند لکن این عبارت به این معنا نیست که اگر کالایی دارای مرجع رسمی و تعیین قیمت نبود از حوزه بررسی تخلف گرانفروشی خارج است بلکه بهای ارشادی و عرفی و قیمتی که بنا به شرایط روز قیمت محلی و منطقه ای یک کالا یا خدمت محسوب می شود، در مواردی که قیمت رسمی مصوب وجود ندارد می تواند معیار و ملاک ارزش گذاری یک کالا یا خدمت محسوب و بیشتر از آن گرانفروشی، تلقی گردد.

شکل دوم عنصر مادی؛ «عدم اجرای مقررات و ضوابط قیمت گذاری»

این عبارت بسیار عام و دارای مصادیق و معیارهای متفاوت است و به نوعی هر گونه نقض و تخطی از ضوابط قیمت گذاری کالا و خدمات را می تواند در برگیرد.

در تفسیر چنین عبارات موسعی باید قصد و هدف قانونگذار را مورد توجه قرار داد و اسیر لفاظی و تحلیل های متفاوت نشد به نظر می رسد مقتن بر آن است تا سیستم اقتصادی کشور را سامان بخشیده و کنترل نماید و اهمیت فراوانی به آن داده است. پس باید دقت نظر داشت و اوضاع و احوال حاکم بر وضعیت یک کالا یا خدمات را تجسم کرده و در نظر گرفت، تا تصمیمی عادلانه اتخاذ و رأیی به حق صادر گردد.

شکل سوم عنصر مادی؛ «انجام دادن هر نوع عملی که منجر به افزایش بهای کالا یا خدمات به زیان خریدار گردد»

این عبارت نیز عام و همه گیر است و مقاصد فراوانی از آن قابل دریافت است.

قطعاً یکی از این موارد کاهش و در حالت ایده آل حذف واسطه گری در مراحل مختلف توزیع و عرضه کالا و خدمات است این مسأله در موارد عدیده موجب افزایش بهای کالا یا خدمت به چندین برابر قیمت اولیه می شود تأملی در فضای کنونی اجتماعی ما حکایت از آن دارد که در تحقق این آرزوی مقنن راهی طولانی و صعب پیش رو است که البته باید با مطالعات عمیق اقتصادی و اجتماعی و تصمیم گیری های مدبرانه و اجرای قاطع آنها همراه گردد.

نکته قابل توجه آنکه عرضه کنندگان کالا و خدمات نمی توانند به بهانه خدمات اضافه یا امکانات ترجیحی نرخ خود را افزایش بدهند بلکه اخذ وجه در خصوص خدمات اضافی بشرط تأیید و تصویب مرجع نرخگذاری و درج بصورت جداگانه و مستقل در فاکتور صادره بلامانع است.

نکته دیگری که از این ماده استنباط می شود آنکه بنظر نگارنده، این ماده قانونی در شمار مواد «امری» و «عمومی» قانونی می باشد با این توضیح که قانونگذار اراده طرفین معامله را معتبر ندانسته و حتی با وجود توافق طرفین به گرانتر معامله کردن، این موضوع از جهت جنبه عمومی قابل پیگیری و تعقیب باشد این مهم از جهت حذف تبعیض در معاملات و بهره مندی آحاد جامعه از حق معاملات یکسان و استفاده از خدمات و کالاها قابل توجه و ارزشمند است.

عنصر معنوی «گرانفروشی»

بنظر می رسد در این ماده قانونگذار سوء نیت کسی که کالا و خدمات را گرانتر از نرخ مقرر عرضه می کند را مفروض دانسته است.

بنابراین بازرسان و شعب رسیدگی کننده نیازی به احراز سوء نیت خاص فرد ندارند همینکه حسب گزارش واسله و مستنداً مشخص شود که فرد کالا یا خدمت را گرانتر از نرخ عرضه کرده یا اقداماتی کرده است که در نهایت آن کالا یا خدمت برای مصرف کننده گرانتر تمام شده است به شرط وجود سایر شرایط عمومی مسئولیت، تخلف محرز است و تحقیق در خصوص سوء نیت وی ضرورتی ندارد.

مخلص کلام آنکه این تخلف مطلق است و سوء نیت عام در آن مفروض بوده و شعب نباید قصد مرتکب را موضوع تحقیق قرار دهند.

- مراتب و مراحل تخلف نیز موجب تشدید مجازات میگردد و این مسأله از نظر منطق حقوقی توجیه پذیر است که نشان می دهد مجازات قبلی تأثیر گذار نبوده لذا شعبه باید مجازات شدیدتری را در نظر بگیرد.
- همچنین است زمانی که میزان تخلف افزایش می یابد طبعاً در این موارد باید مجازات تعیینی با میزان تخلف ارتكابی تناسب داشته و با افزایش میزان گرانفروشی ، مقدار و شدت مجازات افزون گردد.

مسئله پیرامون ماده ۵۷ ق.ن.ص (گرانفروشی)

ممکن است این پرسش مطرح شود که دایره شمول ماده ۵۷ چه اموالی را در بر می گیرد و آیا اموال غیر منقول هم در این حیطه قرار می گیرند یا خیر؟

در پاسخ باید گفت در ظاهر متن ماده قانونی منعی در خصوص شمول اموال غیرمنقول وجود ندارد ضمن آنکه تصور گرانفروشی نیز در اموال منقول منحصر نیست در عین حال رویه حاکم بر سازمان تعزیرات که منعبت از نظریات مشورتی دفتر حقوقی و سایر کارشناسان و همچنین بخشنامه ریاست محترم وقت سازمان می باشد گویای خروج موضوع گرانفروشی اموال غیر منقول از دایره صلاحیتهای سازمانی است و این رویه عمل می شود.

بخشنامه شماره ۲۰۰/۸۵۷ مورخ ۸۰/۲/۱۹ معاون محترم وزیر و ریاست سازمان مقرر میدارد:

« ۱- اموال غیرمنقول از عناوین کالا و خدمات موضوع ماده ۵۷ ق.ن.ص و ماده ۲ قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۶۷/۱۲/۲۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام که مقرر داشته است گرانفروشی عبارت است از عرضه یا فروش کالا یا خدمات، به بهای بیش از نرخ های تعیین شده توسط مراجع رسمی ...» خروج موضوعی داشته

و مسکن مستثنی از تعریف کالا و خدمات می باشد از طرفی اموال غیرمنقول و املاک، دارای نرخ رسمی و بهای مشخص نمی باشند تا عدول از آن گرانفروشی محسوب گردد.

۲- اساساً خرید و فروش ملک اعم از عرصه و اعیان تابع مقررات و ضوابط مخصوص به خود در قانون مدنی و سایر قوانین بوده و چنانچه یکی از طرفین مغبون گردد، می تواند با تقدیم دادخواست از طریق محاکم عمومی اقدام کنند.

۳- از منطوق ماده ۴ قانون تجارت که مقرر داشته است «معاملات غیرمنقول به هیچ وجه تجاری محسوب نمی شود» میتوان استنباط نمود که این گونه امور از مقوله امور اقتصادی و تجاری نیست تا شعب سازمان صلاحیت رسیدگی به آن را دارا باشند.»

همچنین دفتر حقوقی سازمان در نظریه مشورتی شماره ۲۱۰/۸۶۸۸ مورخ ۸۸/۱۲/۲۷ اعلام داشته «اموال غیرمنقول از عناوین کالا و خدمات موضوع قانون تعزیرات حکومتی از جمله ماده ۲ قانون و ماده ۵۷ق.ن.ص مذکور خروج موضوعی دارد و اصولاً معاملات غیرمنقول از مقوله اقتصادی و تجاری نیست لذا تخلف گرانفروشی در اموال غیرمنقول مصدافی ندارد.»

تخلف کم فروشی (ماده ۵۸ ق.ن.ص)

تعریف کم فروشی: « عبارت است از عرضه یا فروش کالا یا ارائه خدمت کمتر از میزان یا معیار مقرر شده.

پیش از این بصورت ترکیب دو تخلف و ذکر یکجای آنها در قانون سابق بوده که این امر در قانون لاحق بطور شایسته تصحیح گردیده و در قانون نظام صنفی «تقلب» و «کم فروشی» در مواردی جداگانه با تعاریفی مستقل و متفاوت ذکر شده است که روش مطلوبتری می باشد.

مطابق با تعریف ارائه شده در ماده ۵۸ ق.ن.ص کم فروشی زمانی واقع می شود که عرضه یا فروش کالا یا ارائه خدمات کمتر از میزان یا معیار مقرر شده باشد. از آنجایی که بیشتر موارد در یک مبادله از طریق مذاکره تعیین می گردد؛ میزان مقرر شده، میزانی است که از سوی طرفین مبادله پذیرفته شده و یا توسط عرضه کننده از طرق مختلف از جمله برچسب مقدار، میزان تعهد شده بصورت کتبی یا شفاهی، محاسبات ریاضی قیمت و مقدار و ... ادعا شده است. از این رو دو معیار برای تشخیص کم فروشی وجود دارد:

۱- **میزان مقرر [کالا و خدمات] پذیرفته شده بین طرفین که به واسطه طرح شکایت خریدار، قابل بررسی است.**

۲- **مغایرت میزان [کالا و خدمات] موجود با میزان [کالا و خدمات] ادعایی عرضه کننده، در صورتی که کمتر باشد؛ قابل بررسی است.**

ارکان متشکله تخلف کم فروشی (ماده ۵۸ ق.ن.ص)

۱- عرضه

اعم از کالا و خدمات است

۲- کمتر از میزان یا معیار مقرر شده

واژه کمتر از میزان یا معیار مقرر شده قابل توصیف به دو شاخه کمی و کیفی است. در هر صورت در فرض ماده ۵۸ ق.ن.ص کالا از نظر قیمت گرانتر از میزان مقرر عرضه نشده است اما عرضه کننده از نظر مقدار و تعداد، میزان کمتری از آنچه مبنای نرخ گذاری قرار گرفته است را عرضه می کند مثلاً اگر یک کیلوگرم از حبوبات با نرخ **A** ریال تعیین شده فرد ۹۰۰ گرم از آنرا به آن مبلغ عرضه می کند تخلف صورت گرفته است.

تخلف تقلب (ماده ۵۹ قانون نظام صنفی)

تعریف تقلب: عبارت است از عرضه یا فروش کالا یا ارائه خدمتی که از لحاظ کیفیت یا کمیت منطبق با مشخصات کالا یا خدمت ابرازی یا درخواستی نباشد. جریمه تقلب، با عنایت به دفعات تکرار در طول سال به شرح زیر است.

متخلف علاوه بر الزام به پرداخت خسارت وارد شده به خریدار یا مصرف کننده در مرتبه اول معادل دو برابر مابه التفاوت ارزش کالا یا خدمت ابرازی یا درخواستی و کالای عرضه شده یا فروخته شده یا خدمت ارائه داده شده و در مرتبه دوم ... جریمه می شود.

ارکان متشکله تقلب:

مطابق با تعریف ارائه شده در ماده ۵۹ ق.ن.ص تقلب زمانی واقع می شود که عرضه و فروش کالا یا ارائه خدمت از لحاظ کیفیت یا کمیت منطبق با مشخصات کالا یا خدمت ابرازی یا درخواستی نباشد.
از این رو سه معیار برای تشخیص تقلب وجود دارد:

- ۱- طرح شکایت یکی از طرفین مبنی بر عدم تطابق کیفیت و کمیت کالا یا خدمت با توافقات صورت گرفته و یا ادعای عرضه کننده؛
- ۲- عدم برخورداری یا تطابق کیفیت و کمیت کالا با شاخص تعیین شده از سوی موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران یا مراجع مرتبط
- ۳- اثبات غیر قابل مصرف بودن کالا بواسطه عدول از تاریخ مصرف تعیین شده یا تغییرات اساسی در کالا به گونه ای که بنا به نظر کارشناس غیر قابل مصرف باشد.

در بحث تقلب، علاوه بر کیفیت، شامل کمیت هم می شود؛ اما در زمانی که کاستی در کمیت مؤثر در کیفیت کالا بوده است. به عبارت دیگر کم فروش و نقص کمیت را نسبت به قیمت پوشش می دهد و در تقلب، کاستی و نقص کمیت از منظر تأثیری که بر کیفیت دارد، مورد بررسی قرار می گیرد.

عام بودن عنوان و متن ماده هم از جهت انطباق موضوع با مصداق بعضاً ایجاد ابهام و پرسش می کند و هم ممکن است روشی جهت سوء استفاده های احتمالی نیز باشد چنانکه در صورت عدم توجه رئیس شعبه یا بازرسان ممکن است مواردی حقوقی مانند تدلیس و یا کیفری مانند کلاهبرداری برای اینکه در تعزیرات زودتر رسیدگی انجام و نیز بدون هزینه می باشد مطرح و تشکیل پرونده گردد که توجه رئیس شعبه رسیدگی کننده را می طلبد.

واژه ی «خریداری شده» نیز گاهی ممکن است ایجاد ابهام یا سوء تفاهم کند. در این حالت باید توجه داشت چنانچه عرضه کننده مدعی شود که کالا را با همین مقادیر که می فروشد خریداری کرده، ضمن توجه به اینکه موضوع از منظر تولیدکننده و ایادی ماقبل باید رسیدگی و تحقیق شود در عین حال واژه ی «عرضه» مندرج در ماده برای همین فرد نیز ایجاد مسئولیت می کند به عبارت دیگر قانونگذار بر آن است تا عرضه کنندگان کالا و خدمات را نسبت به آنچه عرضه می کنند حساس و متوجه نموده تا بدین طریق زنجیره ی تخلف قبل از رسیدن به دست خریدار و مصرف کننده گسسته شود و سرانجام آنچه در بازار عرضه میگردد مطلوب، با کیفیت و از نظر مقدار نیز دقیق و درست باشد.

توجه به این نکته ضروری است که در این ماده نیز قانونگذار بدنبال سوء نیت، عمد و قصد و انگیزه ی فرد نیست و میزان سهم او را در آنچه عرضه می کند جستجو نکرده است.

معنای عدالت از منظر مقنن در این ماده آن است که جلوی عرضه کالای کم یا بی کیفیت را بگیرد و مفروض قانونگذار آن است که فرد از همه مقررات و موازین صنف و حرفه ی خود آگاه است و باید بدان ملتزم باشد.

نکته دیگری که در این ماده جای توجه دارد آنکه از جهت جنبه خصوصی حتماً "باید معامله تحقق یابد تا قابل بررسی و صدور حکم و جبران خسارت باشد لکن از بعد عمومی نیازی به تحقق این مرحله نیست.

تخلف احتکار (ماده ۶۰ ق.ن.ص)

تعریف احتکار: عبارتست از نگهداری کالا بصورت عمدۀ با تشخیص مراجع و امتناع از عرضه آن به قصد گرانفروشی یا اضرار به جامعه پس از اعلام ضرورت عرضه از طرف وزارت صنعت، معدن و تجارت یا سایر مراجع ذی ربط)

تعزیرات احتکار بشرح زیر می باشد:

مرتبۀ اول- الزام به فروش کالا و اخذ جریمه ۷۰٪ قیمت روز کالاهای احتکار شده.

مرتبۀ دوم- الزام محتکر به عرضه و فروش کل کالاهای احتکار شده و جریمه نقدی معادل سه برابر قیمت روز کالاهای احتکار شده و نصب پارچه یا تابلو بر سر در محل کسب به عنوان متخلف صنفی و تعطیلی محل کسب به مدت یک ماه.

مرتبۀ سوم- الزام محتکر به عرضه و فروش کل کالاهای احتکار شده و جریمه نقدی معادل هفت برابر قیمت روز کالاهای احتکار شده و نصب پارچه یا تابلو بر سر در محل کسب به عنوان متخلف صنفی و تعطیلی محل کسب به مدت سه ماه.

تعریف احتکار در فقه

احتکار در لغت به معنای نگهداری طعام به انتظار گران شدن آن را گویند جوهری در صحاح گفته (الاحتکار جمع الطعام و حبسه یتربص به الغلاء) (جمع کردن و انبار کردن طعام به انتظار گران شدن) طبق معنای لغوی احتکار به ذخیره کردن هرگونه طعام گفته می شود در حالیکه در اصطلاح فقهی کثیری از فقها فقط به ذخیره کردن گندم، جو، خرما، کشمش و روغن و خودداری از فروش آنها به عنوان احتکار نظر داشته اند.

بنابر نظر اکثر فقها شرط تحقق احتکار در اصطلاح فقهی، نیاز مردم به آن کالا است ولی در معنای لغوی این قید وجود ندارد.

در مقابل این دسته از فقهاء که احتکار حرام را فقط در انواع خاصی از مواد غذایی محدود کرده اند دسته ای دیگر از فقهاء احتکار را منحصر در مواد غذایی خاصی نمی دانند و هر آنچه در عرف جامعه به آن غذا (طعام) گفته شود را در بر گیرنده حکم حرمت می دانند، از آن جمله می توان به (محقق خوئی) (ره) اشاره نمود.

با توجه به این نظریه چون نوع مواد غذایی مورد مصرف مردم با توجه به شهرها و مکانهای مختلف متفاوت است مصادیق احتکار نیز در هر شهر مختلف خواهد بود این گروه از فقیهان دلیل سخن خود را اینگونه بیان کرده اند که:

اولاً: "چون موضوع حرمت احتکار در احادیث (طعام) می باشد و طعام در عرف به (هر آنچه که آدمی برای ادامه ی زندگی به آن محتاج است گفته می شود لذا احتکار هرگونه مواد غذایی حرام است)
ثانیاً: روایاتی که احتکار را در غلات چهار گانه و روغن محصور می کنند، از نظر سندی ضعیف اند.

شرایط احتکار در فقه

ملاک برای احراز احتکار در فقه موارد ذیل است:

الف) نیاز مردم به کالای احتکار شده

ب) اینکه فروشنده و عرضه کننده دیگری نباشد که مردم بتوانند از او کالای خود را با قیمت عادلانه تهیه کنند.

ج) شرط زمانی و مکانی

چون در برخی روایات، مدت احتکار را برای زمانی که کالا فراوان است چهل روز و برای زمانی که سختی و قحطی است سه روز قرار داده اند برخی گمان کرده اند کمتر از آن محسوب نمی شود در عین حال فقهای بسیاری از جمله شیخ مفید، علامه حلی و محقق حلی این نظر را نپذیرفته اند و معتقدند که احتکار حد و اندازه ای ندارد و در هر زمان که نیاز مردم وجود داشته باشد احتکار تحقق می یابد.

امام خمینی (ره) نیز این نظریه را قبول نکرده اند و در این مورد فرموده اند این حدیث با بعضی از احادیث دیگر منافات دارد و علاوه بر آن بسیار بعید است که شارع مقدس اسلام رضایت بدهد که مردم سه روز در سختی و بلا بسر ببرند.

حکم شرعی احتکار

به طور مسلم، احتکار در شرع مقدس نهی شده است عده زیادی از فقها نیز حکم به تحریم آن داده اند اگر چه برخی دیگر، دلایل حرمت را کافی ندانسته و حکم به کراهت داده اند، اما در هر صورت برخی از مجازاتهای محترک (مانند به فروش گذاشتن اموال احتکار شده) مورد اجماع علما است.

اگر چه حرمت احتکار بر اساس آنچه در روایات آمده و نظر مشهور هم همان است، فقط در غلات چهارگانه و در روغن است که طبقات مختلف جامعه به آن نیاز دارند ولی حکومت اسلامی هنگامی که مصلحت عمومی اقتضاء کند، حق دارد از احتکار سایر احتیاجات مردم هم جلوگیری کند و اجرای تعزیرات مالی بر محترک در صورتیکه حاکم صلاح بداند، اشکال ندارد.

امام خمینی در کتاب بیع خود می فرماید (اقتضای اکثر روایات، حرمت احتکار است).

عنصر مادی احتکار

جزء اول عنصر مادی (کالا بصورت عمده نگهداری شود)

بدیهی است که خدمات در این ماده مصداق ندارد و مفروض ماده تحقق احتکار در کالاهاست.

جزء اول عنصر مادی را می توان در دو بخش تحلیل کرد:

۱) نگهداری

باید گفت از اطلاق ماده چنین بر می آید که مکان نگهداری تأثیری در تحقق موضوع ندارد و چه نگهداری در منزل باشد یا انبار و یا این بخش از عنصر مادی متصور است به هر حال مفهوم آن است که نگهداری دور از دسترس یا دید مشتری باشد.

۲) عمده

ملاک عمده بودن یک کالا چقدر است؟ بدیهی است برای (عمده) بودن هر کالایی باید معیارهای همان کالا سنجیده شود و نمی توان یک مقدار یا عدد کلی پیشنهاد کرد لذا مقنن برای تعیین آن عبارت (تشخیص مراجع ذیصلاح) را مقرر نموده است. یعنی مسئولین امر آن کالا این مقدار مشخص را عمده تلقی نمایند اما اینکه این مرجع ذیصلاح کجاست قاعده عامی ندارد و بسته به هر محصول و کالایی، متولی آن کالا مرجع ذیصلاح قلمداد می شود.

در آیین نامه تشکیلاتی سازمان بازرسی و نظارت بر قیمتها در گذشته تمام صنوف را مکلف به اعلام محصولات خود به آن سازمان نموده بوده.

هم اکنون به موجب تبصره ۱ ماده ۶۰ قانون نظام صنفی، تولیدکنندگان و توزیع کنندگان عمده و خرده فروشان که کالاهای که کمیسیون نظارت ضروری تشخیص می دهد را به صورت عمده در انبار یا هر محل دیگری نگهداری می کنند موظفند موجودی کالاهای خود را به صورت ماهیانه به اتحادیه مربوطه اعلام کنند.

جزء دوم عنصر مادی (امتناع از عرضه)

در پاسخ این پرسش که امتناع از عرضه چگونه احراز می شود باید گفت بنظر می رسد امتناع از عرضه از طریق عدم عرضه محرز شود وقتی مراجع مربوطه اعلام کرده اند کالا باید عرضه شود و فرد عرضه نکرده بنظر امتناع تحقق یافته.

اما نکته اینجاست که صرف امتناع از عرضه موجب تحقق احتکار نیست بلکه باید امتناع به قصد گرانفروشی یا اضرار به جامعه باشد.

جزء سوم عنصر مادی (اعلام ضرورت عرضه توسط وزارت صنعت، معدن و تجارت یا سایر مراجع قانونی ذی ربط)

اینجا مفهومی عام است و هر مرجع و اداره یا نهاد دولتی یا حاکمیتی که متولی نظارت بر آن کالای مشخص و تنظیم بازار آن می باشد را در بر می گیرد.

بنظر می رسد لازم نیست اعلام صورت گرفته از طریق روزنامه رسمی صورت پذیرد بلکه کافی است مراجع قانونی به طریقی صنف خاصی را مکلف به عرضه کالایی معین نماید.

عنصر معنوی (قصد گرانفروشی یا به اضرار به جامعه)

در عنصر معنوی این تخلف قصد فعل و قصد نتیجه هر دو لازم است و قانونگذار احراز سوء نیت خاص متهم را لازم و ضروری دانسته، لذا شعبه رسیدگی کننده باید آن را احراز و در دادنامه خود شواهد و قرائن آن درج نمایند.

تخلف عرضه خارج از شبکه (ماده ۶۱ ق.ن.ص)

تعریف عرضه خارج از شبکه: عبارت است از عرضه کالا یا ارائه خدمت بر خلاف ضوابط و شبکه های تعیین شده از طرف وزارت صنعت، معدن و تجارت یا دستگاه اجرایی ذی ربط.

در ذیل همین ماده که ظاهراً عرضه را اعم از فروش بکار برده و معنا نموده است در خصوص نحوه مجازات و تشریح تخلف صرف عرضه خارج از شبکه را در نظر گرفته، حال چه کالا در خارج از شبکه به فروش رفته یا نرفته باشد.

موارد مهمی را در مورد تعریف و مصادیق فوق ذیلاً و به اختصار توضیح می دهیم:

اول اینکه کلیه توزیع را وزارت صمت و وزار تخانه های ذیربط و ستاد تنظیم بازار معین می نماید.

دوم اینکه مشمولیت کالاهای دارای شبکه از اوایل انقلاب تا کنون رو به کاهش و محرومیت می باشد.

سوم اینکه گرچه عند الاقتضا، بنا به تصویب فوق الذکر و مندرج در قانون نمی توان هر کالا و خدمات مشمول شبکه نمود در حال حاضر کالاهای خاص دارای شبکه توزیع خاص می باشد که بنا به ضرورت اعلام گردیده است.

جریمه عرضه خارج از شبکه، با عنایت به دفعات تکرار در طول هر سال به شرح زیر است:

الف- مرتبه اول- الزام به عرضه کالا یا ارائه خدمت، در شبکه و جریمه نقدی معادل دو برابر ارزش روز کالا یا خدمت خارج شده از شبکه در زمان تخلف.

ب- مرتبه دوم- الزام به عرضه کالا یا ارائه خدمت در شبکه و جریمه نقدی معادل چهار برابر ارزش روز کالا یا خدمت خارج شده از شبکه در زمان تخلف.

ج- مرتبه سوم- الزام به عرضه کالا یا ارائه خدمت در شبکه و جریمه نقدی معادل شش برابر ارزش روز کالا یا خدمت خارج شده از شبکه در زمان تخلف و نصب پارچه یا تابلو بر سر در محل کسب به عنوان متخلف صنفی به مدت یک ماه.

تخلف عدم اجرای ضوابط قیمت گذاری و توزیع (ماده ۶۳ ق.ن.ص)

تعریف عدم اجرای ضوابط قیمت گذاری و توزیع: عبارت است از عدم آرایه مدارک لازم جهت اجرای ضوابط قیمت گذاری و توزیع به مراجع قانونی بدون عذر موجه ظرف سه ماه از تاریخ ترخیص کالا یا خدمت وارداتی یا در اختیار گرفتن تولید داخلی برای آن دسته از کالاها و خدماتی که توسط مراجع قانونی ذی ربط مشمول قیمت گذاری می گردند.

جریمه عدم اجرای ضوابط قیمت گذاری و توزیع، با عنایت به دفعات تکرار در طول هر سال تخلف، به شرح زیر است:

الف- مرتبه اول- جریمه نقدی معادل نصف قیمت رسمی کالا یا خدمت.

ب- مرتبه دوم- جریمه نقدی معادل دو برابر قیمت رسمی کالا یا خدمت.

ج- مرتبه سوم- جریمه نقدی معادل چهار برابر قیمت رسمی کالا یا خدمت و نصب پارچه یا تابلو بر سر در محل کسب به عنوان متخلف صنفی و تعطیل محل کسب به مدت یک ماه.

تخلف فروش اجباری (ماده ۶۴ ق.ن.ص)

تعریف فروش اجباری: عبارت است از فروش اجباری یک یا چند نوع کالا یا خدمت به همراه کالا یا خدمت دیگر.

جریمه فروش اجباری به شرح زیر است:

الف- برای فروش اجباری کالا، الزام فروشنده به پس گرفتن کالا و جریمه نقدی معادل پنج برابر قیمت فروش کالای تحمیلی

ب- برای فروش اجباری خدمت، جبران خسارت وارد شده به خریدار و جریمه نقدی معادل پنج برابر مبلغ خدمت اجباری.

تخلف فوق از فرط وضاحت و روشنی لازم نیست این تخلف بیشتر در هنگامی است که مصرف کننده در خرید بعضی از کالاها ناچار و مجبور است و فروشنده چه عمده فروشی و چه در خرده فروشی، خریدار را مجبور به خرید کالاهایی می کنند که احتمالاً مورد نیاز یا مورد تقاضای خریدار نیست. این موضوع در سطح خرده فروشی بیشتر رواج دارد.

عدم درج قیمت (ماده ۶۵ ق.ن.ص)

تعریف عدم درج قیمت: عبارت است از نصب نکردن برچسب قیمت بر کالا، استفاده نکردن از تابلو نرخ دستمزد خدمت در محل کسب یا حرفه یا درج قیمت به نحوی که برای مراجعه کنندگان قابل رؤیت نباشد. جریمه عدم درج قیمت در هر بار تخلف دویست هزار (۲۰۰/۰۰۰) ریال است.

عدم درج قیمت از مهمترین و رایج ترین تخلفات کسبه می باشد که گرچه ظاهراً اهمیت گرانفروشی و احتکار و بعضی از تخلفات دیگر اقتصادی را ندارد ولی در واقع اهمیت آن مانند گرانفروشی است چرا که هزینه انجام فعلی گرانفروشی همان عدم درج قیمت می باشد و عدم درج قیمت ها از سوئی باعث این مطلب می شوند که مردم بدون اطلاع از قیمت کالا ها نتوانند قیمت آن را با بهای آن در سایر اماکنی که آن کالا عرضه شده است مقایسه نمایند و از سوی دیگر عرضه کننده و فروشنده می تواند به دلخواه کالا گرانتز از قیمت مصوب عرضه نموده یا بفروش برساند لذا برای حفظ نظام بازار و ایجاد نظام صحیح توزیع درج قیمت کالا و خدمات در محل توزیع و عرضه آنها از اهمیت خاص برخوردار بوده و از این رو در قوانین مربوطه مجازات هایی را برای این تخلف در نظر گرفته اند.

نکاتی چند در خصوص عدم درج قیمت

۱- قیمت کالا باید طوری نصب و درج گردد که برای خریدار بر احوالی قابل رویت باشد و بتواند آن را مشاهده نماید. در مواردی که قیمت رسمی برای کالا و خدمات تعیین شده باشد درج قیمت بر اساس قیمت رسمی خواهد بود.

۲- لزوماً باید در مورد تمام کالا و خدمات درج قیمت رعایت گردد (مطابق مقررات مندرج در ق.ن.ص و مصوبات ستاد تنظیم بازار از سال ۱۳۷۳ تا کنون)

۳- لزوم نصب ایتکت قیمت شامل کلیه واحدهای تولیدی، توزیعی، خدماتی و خدمات فنی است.

۴- در مواردی که کالاها و خدمات قیمت رسمی نداشته باشند قیمت ارشادی و یا متعارف ملاک تصمیم گیری خواهد بود و درج قیمت آن الزامیست.

لازم به توضیح است بنا به تجربیات گذشته که اثر بخشی نسبت به تناسب مجازات با تخلف نداشته انتظار می رود بازرسان محترم سراسر کشور با هم اندیشی و هم افزایی با اتحادیه های صنفی و سایر دستگاهها (شهرداری و ...) نسبت به راه اندازی پویش « بی قیمت نخیریم » در سطح شهرستانها در راستای صیانت از حقوق مصرف کننده و استیفای حقوق آنان گام های مؤثری برداشته شود.

تخلف عدم صدور فاکتور (ماده ۶۶ ق.ن.ص)

تعریف عدم صدور فاکتور: عبارت است از خودداری از صدور صورتحسابی که با ویژگی های مندرج در ماده (۱۵) این قانون منطبق باشد. جریمه عدم صدور صورتحساب در هر بار تخلف دویست هزار (۲۰۰/۰۰۰) ریال است.

در خصوص تعریف قانونی فوق و با توجه به سایر قوانین چند مورد قابل عنوان بنظر می رسد:

اینکه آیا فروشنده و عرضه کننده کالا و خدمات در صورت امتناع پس از درخواست خریدار کالا و خدمات متخلف محسوب می شوند یا در صورت عدم درخواست خریدار عدم صدور تخلف محسوب نمی شود. البته اگر به این باور و اعتقاد باشیم که تصویب و اجرای مقرراتی مانند صدور فاکتور بمنظور جلوگیری از هرج و مرج اقتصادی و سوء استفاده توزیع کنندگان و عرضه کنندگان کالا و خدمات است باید گفت که در صورت عدم درخواست خریدار نیز صدور فاکتور و ارائه آن به خریدار الزامی است.

نکته: هر عمده فروشی در موقع فروش یا ارائه خدمات به افراد باید صورتحسابی که در آن مشخصات، نوع، مقدار، مارک کالا، تاریخ فروش، قیمت کالا و ارزش واحد بطور روشن بروی اوراق مخصوص که حاوی عنوان، نشانی کامل فروشنده که در صورتحساب (مطابق مقررات و الگوهای اعلامی از سوی اتحادیهها) قید شده باشد صادر نمایند و از صدور فاکتور ناقص خودداری شده و تخلف محرز می شود.

لازم به ذکر است واحدهای صنفی نباید در صورتحساب عادی بدون مشخصات فوق الذکر (برگه فروش عادی بدون ذکر مشخصات و نشانی واحد صنفی) و با یک مهر و امضاء صادر کنند و باید در صدور فاکتور فروش تمامی موارد اعلامی در متن مقررات رعایت شود.

این مقتصراً بنا به مجال مسرود نگارنده و در مطالعه و بررسی برخی از مواد قانون نظام صنفی (فصل هشتم) فراهم آمد. امید است با استمرار جلسات و کلاسها و فراهم شدن شرایط فضای تفلیل و بررسی سایر مواد قانون نظام صنفی و قوانین موضوع صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی و هیأت رسیدگی به تفرقات صنفی تمهیدات لازم صورت پذیرد.

در پایان انشاءاله که همکاران فاضل و مجرب، نیز در رفع نواقص و نارسائی های این جزوه که قطعاً عاری از عیب و نقص نیست فقیر را با ارسال نظرات ارزشمند خویش به آدرس (b.nikmanesh@otaghasnafeiran.ir) ارشاد خواهد نمود.

چه باید کرد که آب دریا را اگر نتوان کشید هم بقدر تشنگی باید پیشید.

با تقدیم احترام

بهنام نیک منش